

پرونده ویژه: آثار و تبعات فتنه سازی
پرونده ویژه: راهکارهای برون رفت از بحران بیکاری
واقعیت تلخ (حرمتی که نگه داشته نشد)
کتاب صوتی «از تبعید تا پیروزی»

فنا شده

اے بے نستانه که
خدا را نستانه اے

تقدیر





ماهنامه الکترونیکی خبری-تحلیلی بلیغ
سال سوم | شماره بیست و پنجم | بهمن ماه ۱۳۹۶



صاحب امتیاز: پایگاه اطلاع رسانی دفتر
حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدینه)
نشانی: قم، خیابان شهداء، کوی ممتاز
کوچه شماره ۷، پلاک ۳۶
وبگاه: makarem.ir
پست الکترونیک: info@makarem.ir
تلفن: ۰۲۵۲۷۷۴۳۳۳۱-۳۷۷۴۳۸۱۹
فایبر: ۰۲۵۳۲۷۸۳۹۹۳۴



- ۲ فهرست
- ۳ طلایه سخن
- ۴ پیام ها و بیانات
- ۶ دیدارها
- ۸ گزیده سخنان
- ۱۰ فن آوری اطلاعات
- ۱۲ یادداشت
- ۲۰ پرونده ویژه
- ۲۸ مقاله
- ۳۶ معرفی کتاب
- ۳۸ مؤسسات وابسته
- ۳۹ معارف اسلامی
- ۴۳ سؤالات شرعی
- ۴۴ گرامیداشت دهه فجر انقلاب اسلامی

MAKAREM.IR

طلایه سخن

زنان مهمترین وقایع انسانی را در تاریخ رقم زدند به نحوی که کشاورزی و دامداری و نیز تحقق زندگی تمدنی را باید در سرپنجه قدرت زنان جستجو کرد؛ زیرا برخلاف مردان که برای تهیه غذا به جابجایی، حرکت و کوچ نیاز داشتند لیکن زنان به علت تمرکز و سکون در سرزمین پیرامونی خود، تمدن را پایه ریزی کردند و ملیت را به وجود آوردند که تعبیر مام وطن موید این مدعاست.

البته این ساختار توسط مردان با برهنگی و مسائل جنسی دچار تغییر و تحول شد و گزینه محوری معطوف به لذت فردی توأم با انقلاب صنعتی در غرب به بار نشست و فرهنگ و تمدن زنانه را دستخوش تحریفات فروان کرد و اینگونه بود که بدن انسان طعمه مطامع عقلانیت اقتصادی غرب قرار گرفت و مسأله جنسی هم در سیطره اقتصاد قرار گرفت و این گزینه مهم و کلیدی در جوامع غربی به شدت بی معنا شد.

بدیهی است شالوده های فکری و تئوریک در غرب بر مبنای نظریه فروید یعنی ارضای بی حد و حصر نیازهای جنسی جامعه غربی به ویژه ارضای نیازهای مردان بنیان نهاده شده است، که یقیناً ناپسامانی غرب در مقوله گزینه جنسی و ظلم آشکار به زنان و ناهنجاری های متعددی که در قالب مرتفع نمودن غیر ضابطه مند نیازهای جنسی در جوامع غربی صورت می گیرد، قطعاً با مفهوم آزادی انسان ها به ویژه با شأن و مقام والای زن در اسلام تفاوت بسیار دارد.

اینگونه بود که عقلانیت جنسی در قالب فرهنگ عشق و عاشقی کاملاً به سمت برهنگی و گزینه محوری و ساده سازی مسائل جنسی سوق داده شد؛ در این میان زنان بیشترین خسارت را متحمل شدند به نحوی که در جامعه غربی به شدت معنازایی خود را از دست دادند که آمار بی حد و حصر خشونت علیه زنان در غرب؛ شیوع عقلانیت جنسی در غرب با شعار «برای خوردن یک لیوان شیر، گاو

نمی خرنند» (برای ارضای میل جنسی نیازی به ازدواج نیست)، و نابودی گزینه جنسی در ساحت خانواده و فروپاشی نهاد خانواده، خود موید این مدعاست.

از این جهت زنان در دوران مدرنیسم به شدت مورد تحقیر و فشار قرار گرفتند؛ این چالش اساسی که با گرایشات فمینیسم در جهان، آزادی زن از قید و بندهای به اصطلاح ظالمانه را مطرح می کرد با نقش مادری مخالفت بود و تحمل سختی های دوران بارداری و متحمل شدن رنج و زحمت زن برای رشد و تربیت فرزند را مورد سرزنش قرار می داد، همچنین این مکتب مدرن، اهتمام زنان به عواطف و احساسات برای خانواده به ویژه شوهر را غیر قابل قبول می دانست، و حجاب و عفاف و مدیریت در خانه و خانواده و رعایت حد و مرزهای روابط جنسی بر اساس ازدواج در چارچوب زندگی زناشویی را نفی می کرد.

از سوی دیگر و در عصر پست مدرنیسم با نابودی زنانگی در میان زنان، و جابجایی ویژگی های ذاتی زنان و مردان؛ این بار مردان جامعه مورد تحقیر قرار گرفتند؛ این چالش منبعت از مدرنیسم و پست مدرنیسم در حالی است که در اسلام عدالت جنسی در چارچوب خانواده قوام می یابد و نظام خانواده جایگاه زن و مرد را به طور کامل تبیین می کند.

بر این اساس چارچوب سیاسی اسلام، فعالیت های اجتماعی و سیاسی را در طول خانواده گرایبی برای زنان در نظر می گیرد و تحقق این امر را به پابندی زنان به نقش خود در ساحت خانواده مشروط می سازد؛ لذا حضور اجتماعی و سیاسی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از ولایت حضرت علی (علیه السلام) و نقش آفرینی حضرت زینب (سلام الله علیها) در واقعه عاشورا و سخنرانی سیاسی آن حضرت در کوفه و شام، حاکی از مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان در اسلام است.

اینگونه است که نه تنها نقش بی بدیل بانوان در تحقق پیروزی انقلاب اسلامی ایران به چشم می آید؛ بلکه بانوان به عنوان پیشروان حقیقی در پیروزی انقلاب اسلامی، نجات بخشی حیات جامعه با رویکرد خانواده گرایی و تحقق امید و

آزادی را رقم زدند.

گفتنی است مفهوم آزادی در اسلام در ساحت خانواده تعریف می شود؛ لذا حضور حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و حضرت زینب (سلام الله علیها) در فعالیت های اجتماعی و سیاسی، خانوادگی است؛ برخلاف آزادی خواهی در غرب که با شعار آزادی بیان، آزادی سیاسی؛ آزادی اقتصادی و آزادی اخلاقی، در نهایت به نابودی خانواده می انجامد.

اینگونه است که نقش و جایگاه سیاسی حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حضرت زینب (سلام الله علیها) به عنوان الگوی کامل زنان در اسلام، دیروز، امروز و همیشه تاریخ خواهد درخشید؛ در این بین مادران شهدای دفاع مقدس و مادران شهدای مدافع حرم از جمله کارکردهای بی بدیل اسلام در مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان به شمار می آیند.

در خاتمه باید گفت ایجاد فاصله میان زن و خانواده و ترویج لیبرالیسم در میان زنان مهمترین چالشی است که از جانب مدرنیسم، جامعه اسلامی را به شدت تهدید می کند؛ از یک سو نگاه کالا گرایانه به زن با برچسب مشارکت اجتماعی و سیاسی، در عمل بردگی جنسی زنان را در برخی شرکت ها به همراه داشته است، از سوی دیگر حضور زنان در محیط خشن ورزشگاهها و همراه با خشونت های زبانی، کلامی و حتی فیزیکی تقلیل شخصیت زن به واقعیات ساختار شکنانه جامعه مردانه محسوب می شود؛ و عواطف و احساسات زنان را در جامعه دستخوش تغییرات فراوانی خواهد کرد.

هم چنین وارونه سازی از مشارکت اجتماعی زنان در رسانه به ویژه سینما که منبعت از غرب گرایی، انفعال و خود باختگی است در عمل به تشدید فقدان زنانگی در میان زنان جامعه منتهی می شود، حال آنکه باید مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را در امتداد نقش آفرینی بانوان در ساحت مقدس خانواده جستجو کرد، در غیر این صورت تبعات مدرنیسم غربی بر زنان و خانواده، دامن گیر اجتماع خواهد شد و پویایی فرهنگ را به شدت خدشه دار خواهد کرد.



مسئولین پیام های حوادث اخیر را بشنوند

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در درس خارج خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد، فرمودند: حوادث اخیر درس های عبرتی در برداشت که اگر به کار بسته شود آینده بهتری در انتظار ما خواهد بود. معلوم شد نمی توان در پشت درب های بسته نشست و درباره مردم تصمیم گرفت و برنامه بودجه را نوشت.

معظم له افزودند: آغاز کار این بود که عده ای از مردم مطالباتی در مسائل مختلف اقتصادی داشتند چون گوش شنوایی برای مطالبات خود ندیدند تنها راهکار را این دیدند که به سراغ تظاهرات خیابانی بروند و از این طریق، فریاد خود را به گوش مسئولین برسانند، تا آنها پشت درب های بسته برای آنها تصمیم نگیرند.

البته بعداً جمعی از ضد انقلاب و منافق و افراد فریب خورده به آنها پیوستند و ابتکار عمل را از دست آنها گرفتند و به تخریب و توهین مشغول شدند. شیاطین خارجی نیز از فضای مجازی به طور کامل استفاده کردند و اغتشاش توأم با ویرانگری و اهانت به مقدسات مختلف را به آنها تعلیم دادند، پرده ها بالا رفت و نقشه دشمنان برملا شد و مردم با راهپیمایی های پرشکوه خود پاسخ این گروه اندک را دادند.

معظم له در ادامه، بیان داشتند: مساله مهم دیگر داستان آتش افروزی فضای مجازی است. بارها به مسئولین هشدار دادیم، از رئیس جمهور محترم گرفته تا دیگران که این فضای مجازی بلای جان

شماست نه تنها دین و ایمان و اخلاق و همه مقدسات را هدف قرار داده و فحشاء را به درون خانه ها می فرستد و خانواده ها را متلاشی می کند، بلکه خطری است برای انقلاب و نظام و امنیت جامعه، ولی متأسفانه گوش شنوایی نبود.

اکنون می بینیم دامن همه را گرفته، یک نفر مزدور موساد یا سیا در خارج نشسته برای ده میلیون نفر به آسانی پیام می فرستد که فردا در فلان ساعت همه بیرون بریزید و اغتشاش کنید، حتی طرز ساختن بمب های دست ساز را به آنها یاد می دهد.

از مسئولین محترم سوال می کنیم فضای مجازی که پدید آورنده اش دشمنان ما هستند و تمام اختیارات به دست آنهاست و ما را عملاً برده خود می سازند آیا عاقلانه است ما خود را در اختیار آن بگذاریم، درست است که فوایدی هم دارد اما سم خطرناکی در جوف آن است.

بیباید طرحی که برای فضای مجازی سالم توسط کارشناسان آگاه ریخته شده را تکمیل کنید، آنچه مورد نیاز مردم است در آن بریزید و به جای این لجن زارهای متعفن که به نام تلگرام و مانند آن است قرار دهید، و امنیت و اخلاق و ایمان و سلامت جامعه را حفظ کنید، نگویید موقتاً قطع کرده ایم دوباره بر می گردیم راستی عجیب است، آن شیاطین هم دوباره بر می گردند.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در پایان افزودند: سخن دیگر این که، متأسفانه بعضی تصمیم گرفته اند، به توجیه گری پرداخته پیام آشکار این حوادث را فراموش کنند که این واقعا اشتباه بزرگی است. در احادیث اسلامی آمده است که افراد با ایمان و هوشیار از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شوند. آری افراد با ایمان و هوشیار چنین هستند. آخرین سخن این که اجازه ندهید بیش از این به اموال عمومی و خصوصی صدمه بزنند و به مقدسات توهین کنند.



واکنش حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی به حاشیه سازی های اخیر

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در درس خارج خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد، با بیان این که مسؤولان باید در سخنان خود دقت کنند، گفتند: مسؤولان باید حرف های خود را یادداشت کنند و بخوانند، این دقت باید وجود داشته باشد تا انسان گرفتار نشود.

ایشان با اشاره به طرح برخی شبهات درباره نقد پیامبر و معصومان علیهم السلام افزودند: گفت و گوهای زیادی درباره سخنان یکی از مسؤولان بود که چرا دامنه نقد را به معصومان علیهم السلام نیز کشیده است که بعداً بخشی از آن تکذیب شد. نامه های زیاد و تلفن های فراوانی به دفتر ما رسید که چرا حریم معصومان علیهم السلام شکسته شده و شما سکوت کرده اید، عرض کردیم که سکوت نمی کنیم.

معظم له اظهار داشتند: صرف نظر از این که محتوای کلام آن مسؤول دقیقاً چه بوده، عرض ما این است که معصومان علیهم السلام خط قرمز ما هستند و معصوم بودن آن ها از خطا و گناه از مسلمات مذهب شیعه است.

ایشان ادامه دادند: چرا هنگامی که می خواهید مسأله نقد را به همه عمومیت دهید به سراغ زمان معصومان می روید؟ شما می گوید در جامعه افراد، غیر معصوم بوده و قابل نقد هستند. اما کاری به خط قرمز نداشته باشید. چه ضرورتی برای این کار وجود دارد؟ در این زمان که نیاز شدید به وحدت داریم چرا سخنانی گفته

می شود که جامعه را ملتهب می کند؟ حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ابراز داشتند: شما بگویید مسؤولان قابل نقد هستند اما چه کار به معصومان و زمان آن ها دارید که در درس بی دلیل برای خود درست می کنید؟ در شرایط فعلی تضعیف قوای سه گانه صلاح جامعه نیست اما گاهی خودشان مشکل درست می کنند. این گونه مسائل سبب شده که این باور برای برخی پیدا شود که منظور ایشان این است که ذهن مردم را از مشکلات و مطالبات دور کنند و به حاشیه ببرند. نباید کاری کرد که این باور برای مردم پیدا شود.

معظم له افزودند: شما کار اصلی خود را در سه چیز خلاص کنید: جلوگیری از گرانی، ایجاد اشتغال برای جوانان به ویژه افراد تحصیل کرده و اصلاح فضای مجازی و در دسترس قرار دادن فضایی سالم که مشکلات را حل کند و مفسد و خطرات شبکه های بیگانه را نداشته باشد.

ایشان خاطرنشان کردند: به یقین تمام اختیارات فضای مجازی فعلی که از آن رفع مانع شد در دست صهیونیست ها و آمریکایی ها است. کسانی که در این فضا وارد می شوند مانند یک نوکر بی اختیار هستند. آیا این در شأن یک ملت بزرگ و پرافتخار است که نوکر بی اختیار صهیونیست ها باشد؟ چرا فضای سالم ایجاد نمی شود؟ در حال حاضر این فضا باز شده اما اگر بار دیگر سبب اغتشاش شود مردم شما را نخواهند بخشید.

ایشان اضافه کردند: در بیان دیگر گفته اند چرا در عصر ما شهید مطهری ها و علامه طباطبایی ها نیستند، عرض می کنیم که بحمدالله هستند اما حجاب معاصرت به شما اجازه نمی دهد که آن ها را ببینید، اما وقتی آن ها را از دست می دهیم می گوئیم که چه افراد بزرگی را از دست داده ایم.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی با بیان این که شرایط کشور به گونه ای است که همه باید متحد باشند، گفتند: قوای سه گانه باید حفظ شوند، البته به شرط این که خودشان در حفظ خود اهتمام داشته باشند. باید دست به دست هم دهیم تا جلوی خطرات گرفته شود؛ امیدواریم که چنین مسائلی تکرار نشود.

ایشان در ابتدای سخنان خود با اشاره به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گفتند: باید از تسویف و کم کاری و تنبلی پرهیز شود. عقب انداختن کارها سبب هلاکت امت ها است، تأکید پیامبر این است که انسان نباید از زیر بار مسؤولیت فرار کند.

معظم له با بیان این که انسان باید در کار خود جدی باشد، افزودند: به تأخیر انداختن کارها سبب نارضایتی مردم می شود.

ایشان در ادامه تبیین روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: مسأله دیگری که بر اساس فرمایش پیامبر صلی الله علیه وآله سبب هلاکت انسان می شود آرزوهای طولانی و بلند است.



درس اخلاق



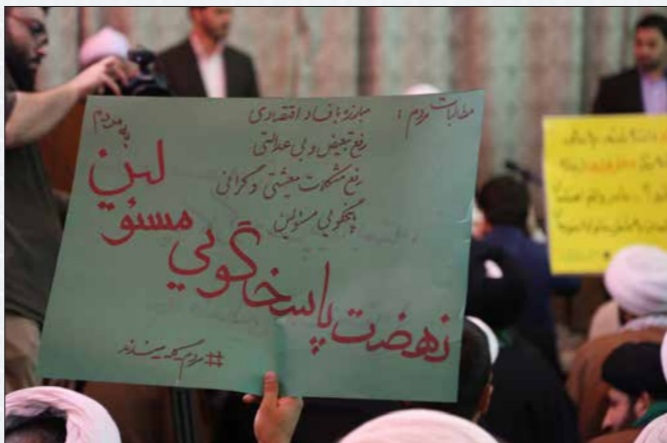
خانواده آیت الله حائری شیرازی



سردار قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



جمعی از طلاب و فضایی حوزه علمیه قم



نخستین کنگره یک هزار شهید روحانی استان قم



جمعی از قضات



مراسم بزرگداشت آیت الله حائری شیرازی



مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم



سید محمدعلی آل هاشم امام جمعه تبریز



مراسم بزرگداشت آیت الله حائری شیرازی



تأثیر پول های شبهه ناک در عدم استجابت دعا

یکی از مشکلات زمان ما این است که غذای بدون شبهه هیچ کجا پیدا نمی شود، به علت اینکه همه پول ها در بانک می رود و رباخواری بانک هم مسلم است. پول حلال با این پول های ربا آمیخته و کارها و برنامه های زندگی با این پول انجام می شود

مسئولین پیام های حوادث اخیر را بشنوند

بارها به مسئولین هشدار دادیم، از رئیس جمهور محترم گرفته تا دیگران که این فضای مجازی بلای جان شماست نه تنها دین و ایمان و اخلاق و همه مقدسات را هدف قرار داده و فحشاء را به درون خانه ها می فرستد و خانواده ها را متلاشی می کند، بلکه خطری است برای انقلاب و نظام و امنیت جامعه، ولی متاسفانه گوش شنوایی نبود.

حوادث اخیر مردم را در حمایت از انقلاب و نظام جدی تر کرد

با وجود فتنه اخیر مردم در حمایت از کشور، نظام و انقلاب اسلامی جدی تر شدند و آگاه تر شدند که نباید کوچک ترین فرصت را به دشمنان داد بلکه در برابر آنان باید به موقع ایستادگی کردند.

مسؤولان با حضور در بین مردم مشکلات و مطالبات را بشنوند

دشمنان هنوز مردم ایران را نشناخته اند، خیال می کردند که با روشن کردن آتش فتنه در گوشه ای و به میدان کشیدن عده ای کار تمام می شود اما نمی دانند که مردم پشتیبان نظام، دین، قرآن و کشورشان هستند

واکنش حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی به حاشیه سازی های اخیر

مسؤولان به جای حاشیه سازی، مشکلات و مطالبات مردم را حل کنند / چرا در شرایطی که نیاز به وحدت داریم جامعه را ملتهب می کنند؟

مهم ترین مشکل حوزویان مسائل علمی است

باید از مسائل علمی مراقبت کرد که البته گاهی با مشورت حل می شود، مهم ترین مشکل حوزویان مسائل علمی است تا عمر طلاب در حوزه به هدر نرود و به مقداری که در حوزه هستند بتوانند بازدهی داشته باشند، تحقق این موضوع تا مراقبتی نباشد امکانپذیر نیست.

کتاب چند رسانه‌ای

از تبعید تا پیروزی

معرفی اجمالی کتاب:

کتاب حاضر شامل دو بخش است:

بخش اول؛ زندگینامه سیاسی - اجتماعی آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی: از آنجایی، که تاکنون زندگی‌نامه مستقل و کاملی، خصوصاً درباره مبارزات آیت‌الله مکارم شیرازی در دوران انقلاب اسلامی، منتشر نشده است. در بخش اول کتاب برای آشنایی بیشتر مخاطبان با زندگینامه سیاسی - اجتماعی ایشان با استفاده از منابع موجود در آرشیو واحد فرهنگ ناموران معاصر ایران و بانک اطلاعات واحد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی (حوزه هنری) و همچنین فیش‌برداری از شصت عنوان کتاب و دوازده عنوان نشریه و چندین پایگاه اینترنتی آمده است. هم‌چنین در پایان تعدادی سند و دهها تصویر از آرشیوهای اختصاصی آیت‌الله مکارم شیرازی، واحد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی و موسسه اطلاعات، که برخی از آنها برای اولین بار منتشر می‌شود، آمده است.

بخش دوم؛ مقالات و مصاحبه‌ها: یازده مقاله و یادداشت و دو مصاحبه آیت‌الله مکارم شیرازی از روزنامه‌های کیهان و اطلاعات در سال ۱۳۵۷ فراهم آمد و برای آشنایی خواننده با موقعیت انقلاب اسلامی ایران در زمان انتشار مقاله یا مصاحبه، برای هر یک از آنها با توجه به اوضاع جاری ایران و محتوای مقاله با استفاده از منابع مختلف اشاره‌ای نگاشته شد. علاوه بر این، برای برخی

مقالات گویا سازی در پاورقی انجام شد. تصویر برخی از مقالات آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در پایان این بخش آمده است.

ویژگی های نرم افزاری:

از مهمترین ویژگی های این کتاب می توان به همخوانی آن با تمامی دستگاه های صوتی و تصویری و سیستم های عامل رایانه ای اشاره نمود. سایر ویژگی

های نرم افزار عبارتند از:

- قرائت پیوسته کتاب به صورت خودکار و بدون نیاز به انتخاب در رایانه و دستگاه های صوتی و تصویری
- ارائه گالری تصاویری از معظم له مرتبط با موضوع کتاب
- ارائه متن کتاب به صورت کامل و یا بخشی که در حال مطالعه آن هستید
- استفاده از گویندگان حرفه ای صدا و

- سیما به منظور افزایش جذابیت صوتی کتاب
- استفاده از گرافیک و افکت های مناسب به منظور افزایش جذابیت بصری نرم افزار
- سازگاری با تمامی سیستم عامل ها و بدون نیاز به نصب

ذیابان

انقلاب اسلامی

از تبعید تا پیروزی

اطلاعات
امام آمد

ورود

بازخوانی وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم

از منظر معظم له

راضی باشند، چرا که رضایت مردم، رضایت خداست و نارضایتی آنان، نارضایتی خدا را به همراه خواهد داشت.

این مطالبه در حالی است که امروزه مشکل تورم و گرانی در جامعه غوغا می‌کند، مسوولان نباید ساده از کنار آن بگذرند، باید فکری کنند تا مشکلات مردم کم شود. دولت مردان و مسئولین باید در راه خدمت به خلق خدا استوارتر باشند و از جمله بتوانند بر مشکل مهم جامعه یعنی تورم فائق آیند و شاخ غول گرانی طاقت فرسا را بشکنند و کاری کنند که مردم از مسئولین راضی باشند.

باید کاری کرد که تورم بیش از این بالا نرود؛ به عنوان نمونه در بحث حامل های انرژی برخلاف آنچه که گفته شد، افزایش قیمت ها با شیب ملایم نبوده است. بلکه افزایش قیمت حامل های انرژی موجب افزایش قیمت در بخش های بسیار زیادی می شود، حتی قیمت چیزهایی که در ظاهر ربطی به حامل های انرژی ندارند نیز افزایش می یابد چراکه همه به نوعی با این انرژی ها سر و کار دارند.

بی شک گرانی های موجود ریشه های زیادی دارد، لیکن مشکل تورم مردم با فرستادن بازرس به بازارها حل نمی شود گرچه اصل مساله خوب هست، ولی حلال مشکلات مردم نیست، مسوولان باید مسائل اقتصادی را ریشه ای حل کنند.

و یا اینکه همه می دانیم مساله تورم، گرانی و مشکلات اقتصادی توطئه دشمن است و آنها می خواهند از این طریق ملت انقلابی ما را به زانو درآورند. لذا تحریم های موجود نیز تاثیرهایی در گرانی و تورم موجود داشته است، ولی همه مشکلات

بی شک بعد از مسأله اعتقاد به توحید، وجود یک اقتصاد سالم از اهمیت ویژه ای برخوردار است، از سوی دیگر به هم ریختگی نظام اقتصادی سر چشمه فساد وسیع در جامعه خواهد بود. لذا ریشه مهم نابسامانیهای یک جامعه را باید در مسائل اقتصادی آن جستجو کرد.

با این تفاسیر اگر اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود، جامعه گرفتار یک نوع انتحار اجتماعی خواهد شد، و فتنه ها از آن بر می خیزد؛ آنگاه که دو جناح، بی فکر و بی مطالعه، بی رحمانه به جان هم می افتند و فضای جامعه را تیره و تار می سازند، نتیجه اش آن است که گردبادهای نابسامان اقتصادی، همه چیز را از بیخ و بن می کند و نابود می سازد! به همین دلیل، در مواجهه با چالش های اقتصادی باید به طور جدی ورود کرد و وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم را به نحو واقعی و عینی مورد بررسی قرار داد که این وظیفه اندیشمندان و دولتمردان هر جامعه است.

حال در شرایط فعلی مشکلات اقتصادی به مردم فشار وارد کرده است، مردم تقاضاهایی از ما و دولت دارند، از ما می خواهند که این مسائل را منتقل و بیان کنیم؛ از این رو باید با زبان خوب و با منطق به نحوی که نظام تضعیف نشود این مسائل را گوشزد و بیان کنیم.

تورم غوغا می کند؛ مسوولان چاره ای بیندیشند

بی شک حل مشکلات مردم، بهترین راهبرد در مردم گرایی مسوولان به شمار می رود؛ لذا قدر شناسی عملی مسوولان از مردم این است که مشکلات مردم را با برنامه ریزی های دقیق حل کنند تا مردم

سمینارهایی کاربردی برای حل مشکلات اقتصادی برگزار شود و اندیشمندان و صاحب نظران به طرح دیدگاه های خود بپردازند تا شاخ غول تورم شکسته شود.

جداً از دولتمردان می خواهیم به جای برخی مسائل به مشکلات مردم در رفع تورم و گرانی بیشتر رسیدگی کنند و چشم را بر واقعیت های جامعه نبندند. ما مردم بسیار خوبی داریم و آنها با وجود تورم بالا در صحنه حاضر هستند و منتظرند تا گشایشی ایجاد شود، البته در برخورد با مردم باید سعی کنیم آمارهای ما واقعی باشد و برای حل مشکلات تدبیر کنیم.

دولت اجازه ندهد اقشار کم درآمد زیر چرخ های تورم له شوند

مردم مدام به ما مراجعه می کنند که اخیراً موجی از تورم در جامعه پیدا شده است و آن هم به خاطر بالا رفتن قیمت حامل های انرژی از سوی دولت است. در این بین دولت باید به فکر طبقات نیازمند باشد، زیرا تورم دو اثر نا مطلوب دارد، نخست این که ثروت مندان را غنی تر می کند و دوم نیازمندان را محتاج تر می کند.

تورم باعث شده است بسیاری از مردم از نظر معیشت با مشکل مواجه شوند. در حالی که همه قشرها، به ویژه محرومان باید از حداقل زندگی آبرومندانانه برخوردار باشند. اگر چه این مشکل در دنیا عمومیت دارد، اما نباید همه علل آن را مربوط به مشکلات جهانی بدانیم. دولت و مجلس و نهادهای دیگر، باید برای حل این مشکل بیشتر تلاش کنند و مجلس باید تصمیمات منطقی و معقول و البته بدون تنش و شجاعانه اتخاذ کند.

آری بار تورم بر دوش کارمند و کارگری است که حقوق ثابت دارد نه ثروت مندان. دولت فکری به حال گرانی ها بکند، یارانه این افراد باید افزایش یابد.

برای تحقق این مهم، مسوولان باید برای حل مشکل گرانی مطالعه همه جانبه داشته باشند تا اقشار آسیب پذیر بیش از

این آسیب نبینند؛ این که تنها عده کمی برای این مسائل فکر و برنامه ریزی کنند درست نیست، امیدواریم دولت و مجلس و دیگر افراد دست به دست هم دهند و قشر نیازمند را از زیر بار تورم نجات دهند. تا مردم خسته و ناامید نشوند و اقشار آسیب پذیر در رنج نباشند.

لذا دولت باید بیش از پیش به شناسایی افراد محروم و حل مشکلات اقشار آسیب پذیر جامعه اهتمام ورزد و سعی کند خدمات مادی و معنوی بیشتری برای محرومین فراهم گردد. ما هم برای موفقیت شان دعا می کنیم. ما این مسائل را بیان می کنیم تا ان شاءالله عمل کنند.

آمار بیکاری جوانان تحصیل کرده نگران کننده است

در حال حاضر چندین میلیون جوان در کشور ما از بیکاری رنج می برند، معلوم است که چه فاجعه ای به دنبال خواهد داشت. لذا مردم از آن نگرانند چرا که بیکاری سرچشمه انواع ناهنجاری های اجتماعی است. لازم است دولتمردان تلاش بیشتری در این زمینه انجام دهند.

عدم اشتغال جوانان در مجموع پیام آور وضعیت بغرنج اقتصادی و معیشتی مردم است، و این ضربه بزرگی بر جامعه و اقتصاد وارد می کند. بسیاری از جوانان با تحصیلات بالا به ما مراجعه می کنند و تقاضای شغل می کنند اما ما نمی توانیم برای آنها کاری انجام دهیم که این مسئله جای تاسف دارد.

لذا در مسئله کار و شغل، آمارهایی که از بیکاری می دهند واقعا نگران کننده است، مخصوصاً جوان های تحصیل کرده زیادی که بیکار و دنبال شغل هستند که باید برای این مسئله هم تدبیری اندیشیده شود.

مسائل اقتصادی و اشتغال جوانان به وضعیت پیچیده ای تبدیل شده است

نباید فراموش کرد مردم متدین ایران

همیشه از آزمون های تاریخی سربلند بیرون می آیند و افتخار آفرینی می کنند لذا بر همه مسوولان فرض است تا برای حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم دست به دست هم دهند به ویژه آنکه مشکلات به حدی زیاد هستند که باید به صورت مشارکت جمعی حل شود.

بی شک مسوولان دولتی نباید وضعیت کنونی جامعه را دلیل رضایت مردم به وضع موجود تلقی کنند بلکه مردم در مسائل اقتصادی انتقاد های فراوانی دارند. زیرا مسائل اقتصادی و اشتغال جوانان به حالت پیچیده ای تبدیل شده است و شاهد هستیم که بسیاری از کارخانجات سطح کشور یا تعطیل شده اند و یا با ظرفیت پایین به کار خود ادامه می دهند.

البته اینکه جوانان پس از دانش آموختگی از دانشگاه تمایل زیاد به پشت میز نشینی دارند، قطعاً نیاز اقتصادی کشور را تامین نمی کند. زیرا در شرایط فعلی شغلی که چرخ تولید کشور را راه بیاندازد مورد نیاز است.

کار تولیدی و فراهم کردن فضای تولید متفاوت از استاد دانشگاه بودن یا کار پزشکی کردن به عنوان ارائه خدمات به مردم است و بخش تولید، اشتغال و درآمدزایی و خودکفایی را برای کشور به همراه دارد.

حقیقت آن است که هنوز مشکل رکود بخش تولید و کارخانه ها به قوت خود باقی است. در حالی که خوابیدن چرخ تولید مشکل ساز است؛ لذا باید مسائلی از جمله پرداخت یارانه نقدی، حقوق های نجومی برخی مدیران و فساد مالی ساماندهی می شد و پول های اضافی را در مسیر تولید هزینه می کردند تا زمینه اشتغال جوانان فراهم شده و از واردات بی رویه جلوگیری می شد.

مشکل بیکاری جوانان باید برطرف شود

برای پیشرفت اقتصادی و معیشتی جامعه

و مردم باید در راستای ایجاد اشتغال و حرکت‌های اقتصادی تولید محور اقدام کرد مشروط بر این که توأم با برنامه ریزی دقیق باشد.

اما در عمل می بینیم بیکاری یکی از معضلات اساسی جامعه امروز است و دولت باید برای حل قطعی مشکل اشتغال، همچنان اهتمام داشته باشد.

رفع معضل بیکاری یک عمل صالح است که سرمایه داران و دولت باید آن را در کشور حل کنند، جوان ما تا وقتی کار نداشته باشد قادر به ازدواج نخواهد بود و اینچنین است که خیلی از انحرافات و فسادها به خاطر بیکاری است.

لذا باید تولید و اشتغال رونق یابد تا بیکاری ریشه کن شده یا کاهش پیدا کند؛ اگر دولت حمایت نکند مشکلی حل نمی شود، همه این موارد باید دست به دست هم دهند تا مسأله تولید و اشتغال رونق پیدا کند؛ دولت باید جلوی واردات بی رویه و قاچاق را نیز بگیرد و دروازه های کشور را بر قاچاق ببندد.

دولت دروازه‌های مملکت را به روی قاچاق ببندد؛ دولت پای کار نباشد مشکل تولید و اشتغال حل نمی‌شود

بدیهی است با افزایش تولید، اشتغال بیشتر می‌شود و بیکاری کاهش پیدا می‌کند این مشکل با کمک یکدیگر حل می‌شود.

از سوی دیگر با کاهش کیفیت در تولید چه طور به مردم سفارش کنیم که تولید داخلی مصرف کنند حال آنکه باید کیفیت را افزایش دهند؛ با افزایش کیفیت مصرف‌کننده جذب شده و دیگران از آن استفاده می‌کنند.

اگر بانک‌ها نیز به مردم فشار آورند و نتوانند تولید را به گردش درآورند تولید می‌خواهد، اگر نظام بانکی اصلاح نشود تولید و مصرف درست نمی‌شود.

هم چنین اگر مالیات عادلانه نباشد تولید خراب می‌شود اگر نظام مالیاتی تنها

بخواهد کسب درآمد بیشتر کند و تراز بالایی داشته باشد مشکل حل نمی‌شود باید به فکر مردم و تولیدکننده بود.

با این تفاسیر اگر دولت حمایت نکند مشکل حل نمی‌شود مالیات باید عادلانه باشد بانک‌ها مراقب باشند و تولیدکنندگان کیفیت را در نظر بگیرند.

دولت باید جلوی واردات بی‌رویه و قاچاق را بگیرد و دروازه‌های مملکت را به روی قاچاق ببندد البته در کنار مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی و اخلاقی باید درست شود زمانی که تولیدکننده مقید به مبانی اسلام باشد جنس تقلبی و قاچاق نمی‌آورد.

آری تا زمانی که مساله قاچاق حل نشود کمیت اقتصاد ما لنگ است؛ حتی اگر تورم به صفر برسد و رشد اقتصادی ما اعداد بالاتر را هم ببیند، قطعاً نمی‌توان آثار اقتصادی را در زندگی مردم مشاهده کرد. مسئولان مبارزه با قاچاق کالا باید موانع خود را به شکل شفاف بیان کنند و در این زمینه قوی تر عمل کنند و قطعاً اگر این گونه شود ما نیز همین مباحث را به شکل شفاف بیان می‌کنیم.

طرح همه این مطالبات از این جهت است که دولت متولی تولید کار و مبارزه با قاچاق کالا است و باید هزینه های اضافی را حذف کرده و با همه توان در شرایط فعلی دغدغه اش رونق اقتصادی باشد.

دولت به فکر معیشت مردم باشد نه حضور بانوان در ورزشگاه

تأسف آور است که دولت با وجود مخالفت های رهبری و مراجع در دولت قبل و مفاسدهی که وجود دارد به دنبال تدوین آیین نامه حضور بانوان در ورزشگاه هاست در حالیکه مشکل اصلی مردم بهبود معیشت است.

گرانی، تعطیلی کارخانه ها، فعالیت بانک های ربوی ، بیکاری و بافت های فرسوده مشکلات اصلی مردم هستند؛ این مشکلات

مردم را بیچاره کرده آنوقت دولت به فکر حضور بانوان در ورزشگاه است که در واقع یک بیراهه است و مشکلات زیادی در پی خواهد داشت.

لذا باید از دولتمردان پرسید آیا مشکل مردم با وجود پخش تلویزیونی، عدم حضور بانوان در مجالس ورزشی است یا این که مشکلات معیشتی و اقتصادی دارند.

مشکل مردم گرانی است، مشکل مردم بناهای فرسوده موجود در سراسر کشور است که وقتی زلزله می شود خسارات و تلفات بسیاری را به بار می آورد.

مردم از بیکاری جوانان خود رنج می برند، جوانان تحصیل کرده بسیاری هستند که مشکل بیکاری دارند، مشکل مردم تعطیل شدن کارخانه ها است، اگر آیین نامه می نویسند باید برای رفع مشکلات معیشتی مردم و بیکاری جوانان باشد، چرا با وجود این که مسأله را می دانند به بیراهه می روند.

سود بانکی بالا عامل ورشکستگی کارخانه‌هاست

روزی نیست که از سوی مردم برای من نامه نیاید و از سود بانک ها شکایت نداشته باشند، لذا باید جلو این بانک های افسار گسیخته گرفته شود در خارج از کشور سود بانکی یک یا ۲ درصد است و همین امر چرخ صنعت را در آنجا می چرخاند. در حالی که وقتی بانک‌ها سود ۳۰ درصد می‌گیرند و درآمد یک کارخانه ۱۰ درصد است، پیداست که ورشکسته می‌شود.

بانک‌ها مردم را بیچاره کرده اند

بی تردید عملکرد بانک ها است که مردم را بیچاره کردند؛ در این زمینه باید گفت بانک ها و رباخواران برای خود کلاه شرعی درست کرده اند، دریافت کارمزد هرساله از وام ها کلاه شرعی است.

تأسف آور است بعضی بانک ها می گویند ما کارمزد بیش از ۴ درصد نمی گیریم، ما می گوئیم ۴ درصد برای تمام مدت وام

بگیرید، یعنی اگر وام ۵ساله است یک بار چهاردرصد بگیرید اما آنها سالی ۴ درصد می گیرند، یعنی مجموعاً ۲۰ درصد می شود، اسمش را چهاردرصد می گذارند اما در واقع ۲۰ درصد می گیرند.

هم چنین گرفتن جریمه تاخیر در بانک ها خلاف شرع است چیزی که در رسانه ها دیدم و باعث تعجب من بود این مطلب بود که بیشترین درآمد بعضی بانک ها از جریمه تاخیر است و حال آنکه چنین چیزی اصلاً صحیح نیست.

حقیقت آن است که عملکرد برخی بانک ها سبب بی اعتمادی مردم به بانک ها شده استاری بانک ها درد اقتصادی و معیشتی مردم هستند و تا زمانی که این مشکلات حل نشود، اقتصاد ما به جایی نمی رسد و قطعاً رشد اقتصادی در زندگی مردم خود را نشان نمی دهد.

البته گوش بانک ها بدهکار کسی نیست؛ بسیاری از بانک ها متمرّد هستند و به این مطالبات گوش نمی دهند و تا زمانی که این روند ادامه دارد مشکلات حل نمی شود.

سخن آخر: (کشور بن بست ندارد، دولت مشکلات اقتصادی را با مشورت حل کند)

تجربه ای که ما داریم این است که هیچ کاری بن بست ندارد، منتهی نیاز است تا افراد بنشینند و با هوشیاری و اخلاص مسائل و مشکلات را حل کنند.

دولت باید توجه داشته باشد که مشکلات اقتصادی فراوانی در جامعه وجود دارد که لازم است آن‌ها را برطرف سازد. گاهی گفته می‌شود تورم کاهش، تولید افزایش و رشد اقتصادی تقویت‌شده که مردم این مسائل را لمس نمی‌کنند.

لذا توصیه ما به دولت محترم این است که مسائل غیر اصلی و فرعی را رها کند و به سراغ مشکلات اصلی مردم از جمله گرانی، تورم و تحریم ها و تنگناهای اقتصادی و معیشتی برود و برای حل آنها اقدام کنید. به ویژه آنکه رئیس جمهور محترم وعده‌هایی برای ارتقای اقتصاد و معیشت به مردم داده است، لذا مردم می‌خواهند اثر و نتیجه این وعده ها را در زندگی‌شان ببینند و لمس کنند.

ما تذکر می‌دهیم و عواقب این وضعیت را روشن می‌کنیم باید ببینیم تا چه اندازه این مسائل مورد توجه واقع می‌شود.

اصول و مبانی عدالت اجتماعی

از منظر معظم له

عدالت اجتماعی از جمله مهمترین اهداف تشکیل حکومت اسلامی است؛ بدین نحو که برای تأمین عدالت اجتماعی و حمایت از قانون و افراد ستمدیده، مقام مسؤولی لازم است تا بر اعمال مردم نظارت کند و در اجرای قوانین بکوشد و آن مقام مسؤول حکومت اسلامی است.

سیستمی که با عدالت اجتماعی زیر بنای اقتصاد اسلامی را شکل می دهد و سیستم سرمایه داری (لیبرالیسم) و مکتب کمونیستی و سوسیالیستی را نفی می کند.

مفهوم شناسی واژه عدالت

«عدالت» مفهوم وسیعی دارد که همه اعمال نیک را در بر می گیرد؛ زیرا حقیقت عدالت آن است که هر چیز را در مورد خود به کار برند و به جای خود نهند عدالت آنجا گفته می شود که انسان حق هر کس را بپردازد، و نقطه مقابلش، آن است که ظلم و ستم کند و حقوق افراد را از آنها دریغ دارد، و به آنها ندهد.

عدالت به معنای قرار دادن چیزی در محل لایق و مناسب است، و این مفهوم وسیع، مصداق های زیادی دارد از جمله عدالت به معنای موزون بودن، عدالت به معنای رعایت تساوی و نفی هرگونه تبعیض، عدالت به معنای رعایت حقوق دیگران، عدالت به معنای رعایت استحقاق ها و ولیاقت ها، و بالاخره عدالت به معنای تزکیه و پاکسازی.

در این میان «قسط» مفهومی است

است که حق کسی را به دیگری ندهد، و به تعبیر دیگر «تبعیض» روا ندارد، و نقطه مقابلش آن است که حق کسی را به دیگری دهد. به عبارت دیگر «قسط» در اصل به معنای سهم و نصیب عادلانه است و به همین جهت گاه به معنای عدالت می آید، و آن در صورتی است که نصیب عادلانه هر کس پرداخته شود.

ولی مفهوم وسیع این دو کلمه مخصوصاً به هنگامی که جدا از یکدیگر استعمال می شوند تقریباً مساوی است و به معنی رعایت اعتدال در همه چیز و همه کار و هر چیز را به جای خویش قرار دادن می باشد.

بدین ترتیب عدالت آن است که بر طبق شئون آنها هرکدام متناسب حالش رفتار کند و عدالت همیشه به معنای مساوات نیست بلکه عدالت به معنای وسیع کلمه یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود به کار رفته است که هم عدالت درباره بندگان را شامل می شود و هم عدالت و نظم را در مجموعه جهان هستی.

با این تفاسیر عدالت و دادگری و «پیراستگی از هرگونه تبعیض و ظلم» از مهمترین اوصافی است که در هر مدیر نهایت لزوم را دارد.

البته عدالت در مفهوم گسترده اسلامی اش از دادگری فراتر است، و به معنی ترک گناهان کبیره، و عدم اصرار بر صغائر آمده، یا به تعبیر دقیقتر، آن حالت خدا ترسی باطنی است که به صورت یک ملکه و خصلت در آمده و او را از انجام گناه باز می دارد، و سدی

میان انسان و گناه می کشد.

مفهوم عدالت اجتماعی

حکومت اسلامی موظف است که برای تمام افراد ملت خود نیازمندیهای اولی زندگی را در عرصه های مختلف فراهم سازد، و به آنها آموزش لازم دهد، بدیهی است در چنان محیطی افراد مختلف بسیار کم خواهند شد.

بی شک اسلام مجموعه احکامی است که پیاده شدن آن در یک اجتماع سبب اجرای عدالت اجتماعی، و مبارزه با فقر، و تعلیم و تربیت صحیح، و آموزش و پرورش کافی، آگاهی و بیداری و تقوا می گردد، روشن می شود که مشمولان این حکم چه اندازه کم خواهند بود اشتباه نشود، منظور این نیست که در جوامع امروز این حکم نباید اجراء شود بلکه منظور این است که هنگام داوری و قضاوت باید تمام این جوانب را در نظر گرفت.

لذا عدالت اجتماعی، برنامه ریزی کامل و همه جانبه برای پیشرفت و تعالی مردم در تمام جنبه های معنوی و مادی است، به این ترتیب باید برنامه صحیح و جامعی را که تضمین و تأمین کننده منافع معنوی و مادی توده های مردم و سبب رسیدن به کمال مطلوب است با حداقل ضایعات، تنظیم شود و این معنا در دنیای امروز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

از این رو اهتمام به سیاست هایی در راستای بقای جامعه، کم کردن فاصله طبقاتی، و پیشرفت همگانی به تحکیم عدالت اجتماعی می انجامد و مسلم

است که با پیشرفت اجتماع افرادی که در آن اجتماع زندگی می کنند نیز رفاه و آسایش پدید خواهد آمد؛ این همان نظر واقع بینانه الهی است. زیرا در یک جامعه بدبخت نمی توان خوشبخت زندگی کرد.

در دنیای امروز که در نتیجه اختلاف طبقاتی، پایمال شدن ثروتها در جنگها و حوادث دیگر به روشنی بچشم می خورد، درک این مسأله چندان مشکل نیست.

در این میان امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با هر گونه مفسده اجتماعی عوامل گسترش نیکی ها و خوبیها را در جامعه فراهم می سازند؛ هم چنین تعلیم و تربیت و رشد جامعه در جنبه های علمی و اخلاقی؛ تأمین آزادی های انسانی، و نفی هر گونه اسارت و استعمار بشر به وسیله بشر خواه در جنبه های فکری باشد یا سیاسی و نظامی و اقتصادی، اقامه عدل و داد و تأمین عدالت اجتماعی در تمام سطوح جامعه؛ فراهم ساختن امنیت اجتماعی به عنوان مقدمه ای برای وصول به اهداف دیگر و نیز فراهم کردن مقدمات بندگی خدا و سیر الی الله و تکامل انسانی و رسیدن به مقام و قرب الهی مبین حقیقت مفهوم عدالت اجتماعی است.

عدالت اجتماعی؛ عدالتی مبتنی بر فطرت

فطرت، همان الهام و درک درونی است که نیاز به دلیل ندارد، یعنی بدون استدلال و برهان، انسان آن را پذیرا می شود و به آن ایمان دارد.

این گونه الهامات باطنی گاهی امواجش از داوریهای خرد نیرومندتر، و اصالتش بیشتر است، که اینها ادراکات ذاتی است و آنها معلومات اکتسابی.

عشق به عدالت در درون جان هر کسی هست؛ همه از عدل لذت می برند؛ و با

تمام وجود خود خواهان جهانی مملو از این آن هستند.

با تمام اختلافهایی که در میان ملتها و امتهای در طرز تفکر، آداب و رسوم، عشقها و علاقه ها، خواستها و مکتبها، وجود دارد؛ همه بدون استثنا سخت به این عدالت علاقه مندند، و به نظر می رسد دلیلی بیش از این برای فطری بودن آنها لزوم ندارد؛ چه اینکه همه جا عمومیت خواسته ها دلیل بر فطری بودن آنهاست.

هم چنین اصل عدالت از بدیهی ترین اصول اخلاقی اجتماعی است؛ نباید فراموش کرد که اصول احکام الهی که پایه های اساسی را تشکیل می دهد در همه جا یکسان است، هرگز اصل عدالت اجتماعی و صدها حکم مانند آن دگرگون نمی شود، تغییر در مسائل کوچکتر و دست دوم است.

قبح ظلم و حسن عدالت از مستقلات عقلیه است؛ نه امری قراردادی عقلایی و شارع مقدس ظلم را تحریم و عدل را واجب کرده و به این ترتیب حکم عقل را امضا نموده است و قاعده «کَلِمًا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» ناظر به این گونه موارد است

اگر درک حسن و قبح افعال برای انسان فطری نبود؛ و مثلاً برای فهم زشتی ظلم، و خوبی عدالت و احسان، و اعمال دیگری از این قبیل نیاز به استدلال داشت؛ مسلماً نظام جامعه انسانی به هم می ریخت. چرا که در استدلالات نظری اختلاف عقیده بسیار پیدا می شد، و چون پایه محکم وجدانی برای این معنی وجود نداشت هرکس به خود اجازه می داد هر کاری را انجام دهد.

آری این هدایت الهی در زندگی اجتماعی انسان فوق العاده سرنوشت ساز است، و این نعمت و این هدایت بزرگ به قدری مهم است که قابل

مقایسه با نعمت های دیگر نیست.

اهمیت و جایگاه عدالت اجتماعی در اسلام

از مهمترین مسائلی که اسلام روی آن تکیه می کند، مسأله حفظ حقوق و اموال مردم و بطور کلی اجرای عدالت اجتماعی است. عدل چنان مفهوم گسترده ای دارد که هم عدالت اعتقادی را شامل می شود، و هم عدالت اخلاقی و عدالت اجتماعی را، و به این ترتیب پرتوی از مسأله عدل خداوند به ملکات اخلاقی انسان، و به سراسر قوانین اجتماعی تأیید خواهد شد، و زیننده است چنین اصل اعتقادی که بازتاب چنین گسترده دارد به عنوان یکی از ارکان اسلام معرفی گردد.

لذا عدالت اجتماعی یکی از مهم ترین تعلیمات انبیاء است؛ دعوت به عدالت اجتماعی یکی از اصول اساسی اسلام است لذا نزول کتاب و میزان را مقدمه ای بر آن شمرده می شود. قرآن در این زمینه می فرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ: «ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

چرا چنین نباشد در حالی که بدون اقامه قسط و عدالت اجتماعی هرگز جامعه بشری به اهداف نهایی خود یعنی تکامل معنوی نخواهند رسید. لذا هدف از ارسال رسل و بینات و کتاب و میزان این بوده که مردم شخصاً مجری قسط و عدل باشند و به آن قیام کنند نه این که به صورت یک امر تحمیلی آنها را مجبور به آن سازند، آری تا جامعه بشری به مرحله خود جوشی در امر اقامه قسط و اجرای عدالت نرسد این هدف تأمین نشده است.

خداوند کوچکترین انحراف را از حق

و عدالت به هر بهانه و دستاویزی که باشد حتی در آنجا که لباس حق بجانم بر آن می پوشانید کیفر خواهد داد، که این مسأله حاکی از اهمیت فوق العاده اسلام به مسأله عدالت اجتماعی در هر شکل و هر صورت است و نشان میدهد که اسلام تا چه اندازه در این مسأله مهم انسانی و اجتماعی، حساسیت دارد، اگر چه با نهایت تاسف میان عمل مسلمانان، و این دستور عالی اسلامی، فاصله از زمین تا آسمان است!

هم چنین از جمله اموری که سبب گستردگی فقه اسلام شده این است که اسلام بسیاری از قوانین اجتماعی را که در میان عقلا برای حل مشکلات زندگی بر روابط اجتماعی آنها حاکم بوده است، با اصلاحاتی، به رسمیت شناخته و جز در مواردی که مخالف اصول اخلاقی و عدالت اجتماعی بوده آنها را پذیرفته است.

توضیح اینکه «فقه» در برابر تمام دین مسئول است و فقیه نمی تواند رأیی صادر کند که با یکی از اهداف و مقاصد دینی ناسازگار باشد، مثلاً اگر حکمی و فتوایی با استقرار قسط و عدالت اجتماعی تعارض داشته باشد باید در آن تأمل بیشتری شود.

کتاب های متعددی از فقه تحت عنوان: کتاب غضب کتاب دیون، کتاب مزارعه، کتاب مساقات کتاب متاجر، کتاب احیاء موات، کتاب شفعه، کتاب وقف، کتاب ودیعه، کتاب رهن، کتاب مصالحه کتاب لقطه (اموال گمشده) کتاب زکات و خمس و انفال و مانند اینها تحریر یافته، و مسائل حقوقی مالی با تمام ریزه کاری هایش بر اساس تأمین و عدالت اجتماعی در آنها مورد بحث قرار گرفته و نشان می دهد تا چه اندازه اسلام برای این مسائل اهمیت قائل است.

نسبت عدالت اجتماعی و امنیت ملی

تأثیر اجرای عدالت اجتماعی در آرامش و سلامت جامعه بر کسی پنهان نیست؛ بی شک امنیت و آرامش اجتماعی تنها موقعی به دست می آید که در جوامع انسانی دو اصل حکومت کند، ایمان و عدالت اجتماعی، اگر پایه های ایمان به خدا متزلزل گردد و احساس مسئولیت در برابر پروردگار از میان برود و عدالت اجتماعی جای خود را به ظلم و ستم بسپارد، امنیت در چنان جامعه ای وجود نخواهد داشت، و به همین دلیل با تمام تلاش و کوششی که جمعی از اندیشمندان جهان برای برچیدن بساط ناامنی های مختلف در دنیا می کنند روز به روز فاصله مردم جهان از آرامش و امنیت واقعی بیشتر می گردد، دلیل این وضع این است که پایه های ایمان لرزان و ظلم جای عدالت را گرفته است.

از سوی دیگر باید دانست کار دولت و حکومت تنها حفظ منافع طبقاتی نیست، بلکه یک سلسله برنامه ریزی کلان اجتماعی لازم است که مربوط به همه می شود، مثلاً آموزش و پرورش برای تمام قشرها لازم است، مسائل اقتصادی در جامعه، در بعد کشاورزی و دامداری و صنعتی، مسائل بهداشت و درمان برای عموم مردم... هر کدام برنامه ریزی می خواهد و بدون سیاستگذاری و مدیریت تحقق آن امکان پذیر نیست.

روی همین جهت همه حکومتها باید جلوی هرج و مرج را بگیرند و برنامه ریزی هایی برای عمران و آبادی و امنیت و دفع دشمنان آن قوم و ملت، داشته باشند.

نسبت عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی

بی شک ایجاد توازن اجتماعی میان

افراد جامعه و تقارن نسبی سطح زندگی انسان ها، از اهداف عدالت اقتصادی و اقتصاد اسلامی است. در بینش دینی، نابرابری های ناشی از میزان استعداد، مهارت، ابتکار، تلاش و قابلیت های دیگر شخصی، پذیرفتنی است، بلکه برای بقای حیات انسان و جامعه ضروری است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «لا یزال الناس بخیر ما تفاوتوا فإذا استتووا هلكوا؛ تا وقتی تفاوت (طبیعی) میان انسان ها هست، به سوی رشد در حرکتند؛ ولی آن گاه که از هر جهت یکسان شوند، نابود می گردند».

اما اگر دامنه نابرابری ها به اینجا برسد که عده ای، در توزیع منابع اولیه، امکانات زیستی و مشاغل و فرصت های اجتماعی بیش از حق و توان و استعداد خود مطالبه کنند، در آن صورت جامعه در معرض طغیان ها و آشوب های شدید اجتماعی قرار می گیرد.

قرآن می فرماید: «هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِنَبْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ ... وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ»؛ آری، شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می شوید؛ ولی بعضی از شما بخل می ورزند ... و هرگاه سرپیچی کنید خداوند گروه دیگری را جایگزین کند».

تعبیر به «یَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ» اشاره به بروز تنش های فوق العاده اجتماعی و سقوط اقوام و ملل دارد و گویای این واقعیت است که بی توجهی نسبت به تأمین نیازهای طبقه ضعیف چقدر می تواند خطرناک باشد، زیرا سبب پدیدآمدن انقلاب های اجتماعی توسط طبقه ضعیف بر ضد طبقه مستکبر شده، طومار زندگی آنان را در هم می پیچد و اقوام دیگر را به جای

آنان می نشاند.

در واقع این همان هدف نهایی عدالت اقتصادی است که ثروت ها-چه ثروت های قبل از تولید و چه ثروت های پس از آن تنها در دست ثروتمندان دور نزنند، بلکه باید به صورت عادلانه میان همه توزیع شود و هر کس به سهم خود از آن بهره مند گردد، زیرا تمرکز و تراکم آن در دست طبقه خاصی باعث آسیب های فراوان اجتماعی می شود و امنیت را متزلزل می سازد.

نسبت عدالت اجتماعی و عدالت قضایی

طبیعت زندگی بشر یک زندگی اجتماعی و گروهی است؛ و بی شک این زندگی با تمام امتیازاتش میدان برخوردها و تزاخم ها است، و به تعبیر دیگر این زندگی گروهی گر چه منبع انواع منافع و برکات برای جوامع انسانی و موجب پیشرفت در تمام جنبه های مادی و معنوی است، ولی با این حال مشکلات و نقاط منفی هم دارد، و آن منازعاتی است که همیشه بر سر احقاق حقوق افراد، و دفع تجاوزها صورت می گیرد؛ که اگر با داوری صحیحی حل و فسخ نشود جوامع انسانی را مبدل به صحنه زد و خوردهای دائمی خونین و نابود کننده می سازد و کانون فساد می شود.

حال برای تعمیم عدالت اجتماعی، و جلوگیری از ظلم و فساد و پایان دادن به کشمکش ها و منازعات، و اجرای صحیح قوانین و همچنین نظارت دقیق بر دستگاه های اجرائی، و آشنا ساختن مسئولین رده های مختلف به وظایف خویش، یک نیروی مقتدر قضائی با پشتوانه کافی برای اجرای احکام آن لازم و ضروری است.

درست است که تربیت صحیح و زنده بودن روح ایمان و اصول اخلاق انسانی در یک اجتماع جلوی بسیاری

از تجاوزها و تبهکاری ها را می گیرد، ولی با این حال برقرار ساختن عدالت اجتماعی و تحکیم آن در جوامع انسانی بدون حمایت «یک دستگاه نیرومند و عدالت گر قضایی» امکان پذیر نیست، چرا که در هر محیطی افراد گردنکش و طغیانگری وجود دارند که شرارت آنها به قدری است که شعاع نیرومند ایمان و اخلاق برای روشن ساختن روح و فکر تاریک آنها به تنهایی کافی نبود. و جز در برابر یک دستگاه قضایی عادل و مقتدر سر فرود نمی آورند.

به ویژه آنکه باید بدانیم تسلیم در برابر اجرای حق و عدالت در ذائقه انسان ناخوشایند است و می دانیم تا این روح تسلیم و رضا در جامعه به وجود نیاید و افراد به حق خود قانع نشوند، هرگز عدالت اجتماعی برقرار نخواهد شد، بلکه همه نسبت به اجرای عدالت معترض و در برابر آن کارشکنی خواهند کرد.

به همین دلیل اسلام تنها به توصیه های اخلاقی و تربیت های معنوی، در پیاده کردن برنامه عدالت اجتماعی خود قناعت نکرده، و تشکیلات قضایی نیرومندی را در پشت سر همه دستورات خود پیش بینی کرده است.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت بدون اقامه قسط و عدالت اجتماعی هرگز جامعه بشری به اهداف نهایی خود یعنی تکامل معنوی نخواهند رسید بلکه تا جامعه بشری به مرحله خود جوشی در امر اقامه قسط و اجرای عدالت نرسد این هدف تأمین نخواهد شد.

امید است آحاد مسئولان هم در سیاستگذاری ها و برنامه ریزی ها، فعالیت های اجتماعی و اقتصادی کشور را در مسیر رشد و توسعه قرار دهند؛ تولیدکنندگان، تاجران و فعالان عرصه اقتصادی را به این سمت و سو

راهنمایی می کند تا طی یک فرآیند حساب شده، جهت گیری برنامه ها به بهره مندی اقشار مختلف مردم از امکانات طبیعی کشور و بسط عدالت اجتماعی ختم شود.

آثار و تبعات فتنه سازی از منظر معظم له

در وهله نخست باید گفت ریشه اصلی شکل گیری فتنه ها را باید در دو امر جستجو نمود: پیروی از هوای نفس و احکام دروغین خود ساخته که مخالف کتاب خداست و بی شک اگر احکام قرآن در میان مردم حاکم باشد و اصالت قوانین اسلام حفظ شود و بدعت‌های ناروا در دین خدا نگذارند و همچنین در اجرای قوانین ناب الهی هوی و هوس را حاکم نکنند فتنه ای پیدا نخواهد شد، چرا که این قوانین مجری عدالت و حافظ حقوق همه مردم و بیانگر وظائف است، فتنه آن زمان شروع می شود که فزون طلبی ها آشکار گردد و قوانین الهی در مسیر مطامع شخصی تحریف شود. حق و عدالت زیر پا بماند و افراد و گروهها وظائف الهی خود را فراموش کنند و به بدعتها روی آورند.

لذا ریختن خون بی گناهان، ستم بر توده مردم و نظام، دامن زدن به آتش فتنه و فساد، و از بین رفتن امنیت و صلح در جامعه تسری می یابد.

در این میان منافقان داخلی در راستای تضعیف مسلمانان از هر فرصتی استفاده می کنند؛ کسانی که در میان مسلمانان تحت عنوان «مسلمان نما» که قرآن مجید آنها را «منافق» نام نهاده زندگی می کنند که نقش جاسوسی بیگانگان و ابزار اجرایی فتنه بر عهده آنان است.

این گروه از منافقان، چنان از حق و حقیقت عاری، و چنان بر کار خود مسلط هستند که می توانند خود را در صف مسلمانان راستین جابزنند، بدون اینکه کسی متوجه نفاق آنها بشود. لذا

منافقان داخلی در کار خود مسلطتر و طبعاً خطرناک ترند، و مسلمانان باید شدیداً مراقب آن ها باشند، هرچند که منافقان خارجی را نیز نباید از نظر دور دارند.

وقتی حق و باطل، مخلوط می شود...

ابزاری که در تمام طول تاریخ از سوی همه هوا پرستان و جنایتکاران مورد استفاده قرار گرفته و به صورت یک سنت همیشگی در آمده این است که آنها همیشه برای رسیدن به مقاصد خود حق و باطل را به هم می آمیزند و حق را سپری برای حمایت از باطل و یا پوسته شیرین و جالبی برای پنهان کردن زهر باطل قرار می دهند، به تعبیر حضرت علی(علیه السلام) «اگر باطل از آمیختن با حق جد می گردید بر کسانی که طالب حقد پوشیده نمی ماند، و اگر حق از آمیزه باطل پاک و خالص می شد زبان دشمنان و معاندان از آن قطع می گردید».

چه تعبیر جالب و گویایی، باطل اگر در شکل اصلیش نمایان شود خریداری ندارد و حق اگر به صورت خالص عرضه شود زبان بهانه جویان را قطع می کند، لذا بدیهی است نه حق خالص مشکل هوا پرستان را حل می کند، چرا که منافع آنها در باطل نهفته است، و نه باطل خالص آنها را به مقصد می رساند، چرا که مردم از آنها حمایت نخواهند کرد و اینجاست که به سراغ آمیختن حق و باطل می روند، همان چیزی که تمام سیاستهای مخرب دنیا را می توان در آن خلاصه کرد.

در واقع آمیزش حق و باطل چراغ سبزی است برای هوی پرستان و بهانه ای است برای پیروان شیطان که وجدان خود را فریب دهند و در برابر دیگران استدلال کنند که ما به این دلیل و آن دلیل (اشاره به قسمتهایی از حق که با باطل آمیخته شده) این راه را برگزیده ایم.

آری مستضعفین فکری و ساده لوحان ممکن است در این میان ناآگاهانه در دام شیطان بیفتند، در حالی که آنها نیز اگر رهبر و راهنمایی برای خود انتخاب می کردند گرفتار چنین سرنوشتی نمی شدند. به این ترتیب مردم در برابر آمیزش حق و باطل به سه گروه تقسیم می شوند:

گروه اول حق طلبان آگاه و مخلصند که به لطف پروردگار از توطئه های شوم فتنه جویان در امانند.

گروه دوم هوی پرستان بهانه جو هستند که می خواهند به بهانه حق در راه باطل گام بگذارند و در واقع نیمه آگاهند و با پای خود در دام شیطان می روند.

گروه سوم افراد ساده لوحی هستند که تشخیص حق از باطل در این آمیزه خطرناک برای آنها مشکل است و ناآگاهانه گرفتار دام شیطان می شوند مگر این که در پناه رهبر آگاه و فرزانه ای جای گیرند.

اینگونه است که به تعبیر حضرت علی (علیه السلام) فتنه ها آن گاه که رو آورند با حق مشتبه می شوند، و هنگامی که پشت کنند ماهیت آنها بر همه کس روشن می گردد، فتنه

همچون بادهای دور می زند به برخی از شهرها اصابت می کند و از بعضی می گذرد.

آری در جهان معاصر نیز وضع چنین است و از آن به خوبی صدق کلام مولا امیر مؤمنان علیه السلام روشن می شود که فرمود: فتنه جویان بخشی از حق را با بخشی از باطل می آمیزند و دامهای شیطان را می گسترانند تا توده های ساده اندیش را به دام بیندازند!

فتنه سازی با طعم شراکت منافقان داخلی و خارجی

بی شک فتنه و فساد، خطوط پیروزی یک جامعه را محو می کند و دسائس دشمنان را بر فضای اجتماعی کارگر می کند. لذا موجب می شود دشمنان برای جلوگیری از گسترش دعوت اسلام و به منظور خفه کردن ندای حق طلبان و حتی باز گرداندن مؤمنان به سوی کفر اقدام کنند.

در این بین افراد منحرف معمولاً می کوشند اعتراضات مردم را دستاویز قرار داده و تفسیری بر خلاف حق برای آنها درست کنند، تا در میان مردم، فتنه انگیزی نمایند، و آنها را از راه حق گمراه سازند.

منافقان به سرعت در میان مسلمانان ساده دل ایجاد فتنه و تفرقه و نفاق می کنند؛ در فتنه خفاش ها به پرواز در می آیند و منافقان داخلی و خارجی به جولان در می آیند و آزمون بزرگ شروع می شود!

لذا «فتنه» در واقع جنگ بر ضد مسلمانان است که اگر منافقان پیشنهاد شود، به زودی این دعوت را اجابت کرده و با فتنه جویان داخلی همکاری می کنند. اعتراضات اخیر نیز از عمق توطئه های منافقان حکایت می کند لذا باید مراقب تحرکات جاسوسی منافقان بود.

شایعه سازی و اخلال در امنیت اجتماعی

فتنه سازی موجبات افزایش فساد اجتماعی باشد، که این امور گاه از کشتن هم دردناک تر است، یا سبب قتل و کشتارها در اجتماع می شود، لذا فتنه به معنای فساد کبیر است. و فتنه به معنای فساد، از قتل بزرگتر و شدیدتر است، همان گونه که در قرآن «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ؛ فتنه از کشتار هم بدتر است!» و «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان بازمی دارد) حتی از قتل بالاتر است» به این مطلب اشاره شده است.

لذا فتنه سازان امنیت جامعه را برهم می زنند که از کشتار و قتل خطرناک تر و شدیدتر است. البته «فساد» هر گونه نابسامانی و خرابی نظامات مختلف اجتماعی را شامل می شود، مخصوصاً ریخته شدن خون بی گناهان و ناامنی و مانند آنها.

اینگونه است که دشمنان اسلام و ایادی آنها در داخل، حداکثر استفاده را از فتنه می کنند؛ شایعات زننده و تحریک آمیزی را جعل کرده و به وسیله بعضی از افراد متعصب و ساده لوح نشر و توسعه می دهند.

لذا در این مسأله دو گروه ضربه زیادی به امنیت جامعه می زنند، و در حقیقت مرتکب فساد و فتنه می شوند: یکی شایعه سازان، و دیگری اراذل و اوباشی که مخّل به امنیت اجتماعی اند. قرآن کریم به این مطلب اشاره دارد؛ لذا می خوانیم: «لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا * مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدُوا وَقَتَّلُوا تَقْتِيلًا؛ اگر منافقان و بیمار دلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه پخش می کنند دست برندارند، تو را بر ضد آنان

می شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند. و از همه جا طرد می شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید».

با این تفاسیر امروزه عده ای از منافقین که کار آنها پخش شایعه است و نیز عده ای از اوباش، که هر چند در اقلیت هستند، اما امنیت جامعه را برهم می زنند از جمله دشمنان اصلی امنیت اجتماعی هستند.

در این میان قرآن مجید اخطار شدیدی به این دو گروه می دهد. می فرماید: اگر شایعه سازان و اوباش دست از فساد و فتنه برندارند، به آنها اعلان جنگ بده، سپس آنها را از شهر اخراج کن، و آنها را هر جا یافتی به سختی به قتل برسان.

آری قرآن مجید در مقابل فتنه و فساد اجتماعی برخورد شدیدی کرده است؛ زیرا زندگی در چنان جامعه ای بسیار مشکل است. و لذا برای تحصیل یا حفظ امنیت جامعه باید هر بهایی را پرداخت. تا آنجا که اسلام به خاطر آن اجازه جنگ با اخلال گران امنیت اجتماعی را صادر می کند.

فتنه گران و توهّم تفرقه و ایجاد فاصله بین مردم و نظام اسلامی

از جمله مهمترین اهداف وسوسه های دشمنان و فتنه گران، ایجاد اختلاف و پراکندگی و تزلزل مبانی عقیده ای مسلمانان است. در این بین قرآن مجید به مسلمانان هشدار می دهد که اگر پیوند ارتباط و تعاون و برادری را با هم محکم نکنند، و از دشمنان قطع پیوند و همکاری نمایند روز بروز تشّت و پراکندگی در صفوف آنها بیشتر می شود، و با نفوذ دشمنان در جامعه اسلامی، و وسوسه های اغواگر آنان پایه های ایمان سست و متزلزل می گردد، و از این راه فتنه عظیمی

دامانشان را خواهد گرفت.

اینچنین است که بر اثر نبودن پیوند محکم اجتماعی و رخنه دشمن در صفوف آنها، انواع مفسد، نامنی، خونریزی و تباهی اموال و فرزندان و نابسامانیها در اجتماع آنها آشکار خواهد شد، و «فساد کبیر» همه جا را فرا خواهد گرفت.

لذا شاهدیم در روز های اخیر گروه زیادی از منافقان و دشمنان اسلام، دور هم جمع شده اند و با وسوسه های شیطانی، برای تفرقه افکنی و تضعیف روحیه مردم تلاش می کنند.

در این زمینه حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «إِيَّهَا النَّاسُ شَقُّوا امْوَاجَ الْفِتَنِ بِسَفَنِ النَّجَاةِ، وَ عَرَّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمَنَافِرَةِ، وَضَعُوا تِيْجَانَ الْمَفَاخِرَةِ؛ ای مردم! امواج سهمگین فتنه ها را با کشتیهای نجات بشکافید و از راه اختلاف و پراکندگی و دشمنی کنار آیید و تاجهای تفاخر و برتری جویی را از سر بنهید!»

این نکته قابل توجه است که امام (علیه السلام) فتنه ها را به امواج کوبنده و شکننده تشبیه می کند و برای مقابله با آن به استفاده از کشتیهای نجات توصیه می کند و مراد از کشتیهای نجات، کشتیهای محکم و بزرگی است که توانایی بر شکافتن امواج و رساندن سرنشینان را به ساحل نجات دارد، و منظور در این جا رهبران الهی و مخصوصاً اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است یعنی آنچه را ما می گوئیم گوش کنید نه آنچه را خود می خواهید و در تأکید بر این معنی، اختلاف و تفاخر و برتری جویی گروهی و قبیله ای را به راه خطرناکی تشبیه می فرماید که باید هر چه زودتر از آن کناره گیری کرد.

آن حضرت در فرازی دیگر می فرماید: «شیطان راه های انحرافی

خویش را برای شما آسان جلوه می دهد، و می خواهد (رشته های محکم) دین شما را گره گره بگشاید و به جای اتحاد و هماهنگی، ایجاد تفرقه کند و به وسیله تفرقه، فتنه بر پا سازد. حال که چنین است: از وسوسه ها و فریب های او روی بگردانید و نصیحت را از کسی که به شما هدیه می کند، پذیرا شوید، و آن را محکم در درون جان خویش نگهداری کنید».

در واقع امام (علیه السلام) در این سخن گهربارش انگشت روی نقطه اصلی دردهای جانکاه جامعه بشریت گذارده که همیشه جنگهای خونین و اختلافات و کشمکشها و کشت و کشتارها و ناامنیها از برتری جوییها و تفاخر سرچشمه می گیرد، و اگر این بت، شکسته شود بیشترین مشکلات جوامع بشری حل خواهد شد و دنیا امن و امان و آرام می گردد.

ایجاد یأس و بدبینی نسبت به نظام و انقلاب؛ بزرگ ترین توطئه فتنه گران

ایجاد یأس و بدبینی نسبت به نظام و انقلاب و ناکارآمد نشان دادن آن، از جمله بزرگترین هدف فتنه سازان و از جمله حيله های خطرناک منافقان است که در راستای تضعیف اراده ها و درهم شکستن قدرت جهاد و مقاومت، صورت می گیرد و اگر کارگر شود آثار بسیار زیانباری دارد.

این موضوع در دنیای امروز که فعالیت رسانه های جمعی به ویژه فضای مجازی، بر همه جا سایه افکنده از گذشته خطرناک تر است. منافقانی که در بیرون و درون کشورهای اسلامی هستند با فتنه انگیزی و با استفاده از قدرت رسانه، برای مایوس کردن مسلمانان از هر گونه برنامه های اصلاحی و از هرگونه پیشرفت و موفقیت، وسائل شکست آنها را فراهم می سازند. باید در برابر این

شیطان صفتان با تمام قدرت ایستاد و پیوسته مردم را به ضرورت مطالبه خواهی صحیح از مسئولان و نیز توکل بر الطاف خفیه و جلیه الهی و تلاش همگانی برای پیشرفت و پیروزی امیدوار ساخت.

وظایف پنج گانه مردم در رویارویی با فتنه ها از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

امام علی علیه السلام به بخشی از وظایف مردم در فتنه ها و آشوب های سخت اشاره کرده و دستورات پنجگانه ای برای پیروان حق بیان می کنند. نخست می فرماید: «فلا تكونوا أنصاب الفتن، وأعلام البدع؛ سعی کنید شما پرچم های فتنه ها و نشانه های بدعت نباشید»؛ اشاره به این که با سردمداران فتنه ها و بدعت ها همکاری نکنید و خود را از این معرکه های خطرناک کنار بکشید.

آن حضرت در دومین دستور می افزاید: «و الزموا ما عقد علیه حبل الجماعة، و بنیت علیه أركان الطاعة؛ از آن چه پیوند جماعت (و جامعه اسلامی) به آن گره خورده و ارکان اطاعت بر آن نباشد، جدا مشوید».

اشاره به این که تا می توانید قوانین و دستورات الهی را که ضامن بقای جامعه اسلامی و اطاعت پروردگار است، حتی درگیر و دار فتنه ها تا آن جا که می توانید محترم بشمرید؛ چرا که اگر راه نجاتی از فتنه باشد پیروی از این دستورات است. این سخن مخصوصاً برنامه هایی همچون کمک به محرومان و ستمدیدگان را شامل می شود؛ چرا که حفظ آن ها سبب نجات از فتنه هاست.

در سومین دستور می فرماید: «و اقدموا علی الله مظلومین، و لا تقدموا علیه ظالمین؛ مظلوم بر خداوند وارد شوید و ظالم وارد نشوید»؛ مفهوم این

سخن آن نیست که تن به ظلم بدهید و تسلیم ظالم شوید؛ زیرا این کار از نظر اسلام ممنوع و نوعی کمک به ظالم و اعانت بر اثم است؛ بلکه منظور آن است که اگر بر سر دو راهی قرار گرفتید که یا حقوق مردم را ببرید یا حق شما را ببرند، ترجیح دهید که از حق خود بگذرید تا به ظلم بر دیگران آلوده نشوید. با توجه به قاعده تقدیم اهم بر مهم این کار یک برنامه عادلانه و خدا پسندانه است.

و در چهارمین دستور می افزاید: «و اتقوا مدارج الشيطان و مهابط العدوان؛ از گام نهادن در راه های شیطان و سراسیابی های ظلم و عدوان بپرهیزید!»

اشاره به این که به منطقه خطر (ظلم و فساد) نزدیک نشوید؛ چرا که لغزشگاه انسان است. تعبیر به «مدارج» (پله ها) و «مهابط» (سراسیابی ها) اشاره به نکته لطیفی است؛ یعنی شیطان، انسان را از پله های طغیان بالا می برد و هنگامی که به اوج رسید او را به پایین پرتاب می کند و گاه به کنار دره های گناه می کشاند تا پایشان بلغزد و در اعماق کبایر سقوط کنند.

در پنجمین و آخرین دستور می افزاید: «و لا تدخلوا بطونکم لعق الحرام، فإنکم بعین من حرم علیکم المعصية، و سهل لکم سبل الطاعة؛ لقمه های حرام را هر چند اندک باشد وارد شکم خود نسازید؛ چرا که شما در معرض نگاه کسی هستید که گناه را بر شما حرام کرده و راه های اطاعت را برای شما آسان ساخته است»

بی شک، به هنگام بروز فتنه ها اموال حرام در دست مردم زیاد می شود و استفاده از آن آثار بسیار شومی در وجود انسان دارد؛ قلب را تاریک و در مسیر شیطان قرار می دهد. امام علیه السلام در این زمینه هشدار می دهد

و در ضمن می فرماید: هیچ گاه راه طاعت و کسب حلال به روی شما بسته نمی شود؛ زیرا در هر شرایطی خداوند طرقي برای نجات از معاصی و روی آوردن به طاعت الهی به روی مردم گشوده است.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت از یک سو حل مشکلات اقتصادی مهم ترین وظیفه حکومت است. اگر در این قسمت و بماند کارهای دیگر او مردم را راضی نخواهد ساخت. البته محال است مشکلات اقتصادی جامعه را بر اساس یک مکتب اقتصادی لیبرالی حل کرد، حتماً باید دست به دامان اقتصاد مقاومتی شد.

از سوی دیگر مردم و مسئولان باید با وحدت و انسجام در دو جبهه با دشمنان و فتنه گران پیکار کنند و شدت عمل به خرج دهند، دشمنان خارجی و عوامل نفوذی آنها که در لابلای صفوف مسلمین جای گرفته و از هر فرصتی برای تضعیف حکومت اسلامی بهره می گیرند.

لذا ما در مسیر و هدف خود کمترین تردیدی نداریم باید برویم و آتش هر گونه فتنه ای را خاموش کنیم، خدا یار و یاور ماست و روسیاهی برای گروه منافق است.



راهکارهای برون رفت از بحران بیکاری از منظر معظم له

بعد از گذشت ۳۹ سال از پیروزی انقلاب اسلامی لیکن اقتصاد کشور هنوز سلامتی خود را به دست نیاورده، و روشن است که چنین اقتصادی عوارض و پیامدهای متعددی به دنبال خواهد داشت، که معضل بیکاری یکی از آنهاست.

البته بیکاری یک معضل جهانی است، که بیشتر کشورهای دنیا را رنج می دهد. و این، ارمغان ماشینی شدن زندگی امروز ماست. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد، و تعداد افراد بیکار آن متأسفانه کم نیست؛ لیکن باید دانست بیکاری سبب می شود که یک اجتماع از نظر اقتصادی وابسته به دیگران باشد؛ حال آنکه انقلاب سیاسی هنگامی کامل می شود که علاوه بر اتکاء به یک انقلاب عمیق فرهنگی، از پشتوانه اقتصاد غنی و خود کفا و پرمایه ای برخوردار گردد.

ابن عباس می گوید: هرگاه پیامبر به کسی می نگریست که قوای بدنی او سالم بود، می پرسید: آیا او شغل و حرفه ای دارد؟ اگر جواب، منفی بود، می فرمود: «سقط من عینی؛ از نظرم افتاد».

امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنِّي لِأُبْعِضُ الرَّجُلَ أَنْ يَكُونَ كَسْلَانًا عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ، وَ مِنْ كَسَلٍ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرْتِهِ أَكْسَلُ؛ مَنْ دَشِمَنِي دَارِمَ أَنْ كَسَرَ فِيهِ رِبَاطًا بِأَمْرِ دُنْيَاهُ (و تلاش برای سامان دهی امور زندگی) تنبل و وارفته باشد؛ هر کس که درباره امور دنیایش تنبل و سست باشد، در ارتباط با امر آخرتش سست تر است».

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَتَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَاْبَعْدَهُ اللَّهُ؛ كَسَى كَبَابًا وَ خَاكَ فِي خِيَابِهِ دَارِدًا وَ بَرَأَ كَوْنَهُ فِي بَرَاءَتِهِ» (هر کس که آب و خاک در اختیار دارد و (بر اثر کوتاهی در بهره برداری صحیح از آنها) در فقر و تنگدستی زندگی می کند، از رحمت خدا دور باد!).

آری «بیکاری» در تعلیمات اسلام به شدت محکوم شده است، تا آنجا که امام موسی بن جعفر علیه السلام می گوید: «خداوند بنده پر خواب را مبعوض می دارد، خداوند بنده بیکار را مبعوض می شمارد!».

جمله کوتاه و شعارمانندی که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده نظر این آئین را نسبت به افراد و جامعه های سربار، و متکی به غیر، روشن می سازد، آنجا که فرمود: «از رحمت خدا دور است کسی که سنگینی زندگی خود را بر دوش مردم بیفکند!».

بیکاری و پیامدهای منفی آن

وضعیت نابسامان اقتصادی موجود و

یا تفسیر وضعیتیتی که پیش خواهد آمد تبیین می کند که بیکاری چه پی آمدهایی را در جامعه به بار خواهد آورد معضلاتی از قبیل مشکل بیکاری، عامل بسیاری از مفاسد است؛ به نحوی که بی کاری و خالی ماندن اوقات از برنامه، بلای عظیمی است که زمینه را برای وسوسه های بازگشت به گناه فراهم می سازد.

آری بیکاری مفاسد و تبعات منفی متعددی دارد، و می تواند بستر جرم های مختلفی قرار گیرد، لذا بسیاری از جنایات و پرونده های خلاف: اعتیاد، سرقت، ناامنی، فحشاء و خودفروشی و ... معلول بیکاری است.

انسان بیکار دست به طغیان و فساد می زند، و لذا معتقدیم که یکی از عوامل گناه بیکاری است. همان گونه که یکی از زمینه های اعتیاد به مواد مخدر نیز بیکاری است. و نیز یکی از مهم ترین زمینه های فعالیت های شرکت های هرمی در جامعه، بیکاری است؛ وقتی تورم همراه رکود بیاید، و بر آمار بیکاری روز به روز افزوده شود، و سکون جامعه را خسته و دل زده کند، و درست در همین اوضاع و احوال کسانی با استفاده از رانت ها، یک شبه به ثروت های بادآورده برسند، رؤیای پرداز شدن مردم، و استقبال آنان از طرح های شبکه های هرمی عجیب نیست».

لذا خداوند راه رسیدن به رزق و روزی مقدر را کار و فعالیت دانسته، تا انسانها دست به طغیان و فساد نزنند.

هم چنین در آیات و روایات به تلاش و کوشش برای تأمین نیازمندی های زندگی دعوت شده است تا افراد تن

به بیکاری و وادادگی ندهند و دست از تلاش و کوشش باز ندارند، سربار جامعه نشوند و جامعه را به رکود و عقب افتادگی نکشانند.

حمایت از تولید ملی؛ مهم ترین راهبرد در رفع بیکاری

«تولید داخلی» محصول نیروی انسانی است چرا که کارگر «کار فکری» باشد مانند «مدیریت» و «آموزش» و «طرح نقشه های تولید و عمرانی» و «ابداع و اختراع و اکتشاف» محصول مستقیم قدرت فکری و خلاقیت انسان، و اگر «کار جسمی» باشد محصول نیروی بازوی او است.

بی شک برای برون رفت از بحران بیکاری مردم باید باور کنند که صرفه اصلی آن است که از اجناس داخلی و تولیدات داخلی استفاده کنند، امروزه مهمترین اقتصاد دنیا هم به جامعه خود الزام می کنند تا تولیدات داخلی را مصرف کنند. وقتی تولید داخلی مصرف شود، بیکاری و بسیاری از معضلات اجتماعی برطرف می شود.

لذا در وهله نخست باید تولید و اشتغال رونق یابد تا بیکاری ریشه کن شود یا کاهش یابد، ما به مردم سفارش می کنیم که تولید داخلی مصرف کنند.

هم چنین دولت باید برای تقویت تولید ملی فعال باشد و از ورود کالای قاچاق جلوگیری و اجازه ندهد مصنوعات خارجی چه از طریق مبادی رسمی و چه قاچاق وارد کشور شود که بازار را در اختیار بگیرد زیرا اگر تولیدات داخلی از کار بیفتد بیکاری، ضرر و زیان ایجاد شده و بیکاری افزایش می یابد.

تقویت تولید داخل یک مسئله جمعی می باشد، اگر بخواهیم مملکت روی پای خود بایستد یک همت جمعی می خواهد یعنی دولت اهتمام بورزد، فروشندگان سراغ تولید داخلی بروند و مردم هم مشتری تولید ملی باشند.

جوانان بیکار تاوان بالا بودن نرخ تسهیلات بانکی را پرداخت می کنند

اشخاصی هستند که قدرت مدیریت برای تولید و تجارت را دارند ولی سرمایه لازم را ندارند. اینها افرادی هستند که از مسائل کشاورزی، تجارت و صنعت آگاهی کافی دارند، ولی پول و سرمایه ای که در این راستا به کار گیرند ندارند، در اینجا بانک سالم به این افراد سرمایه ای می دهد که با آن کار کنند، و با آنها شریک می شود و از آن به تسهیلات بانکی یا تسهیلات اعتباری تعبیر می کنند که این کار هم به نفع جامعه است و هم به نفع بانک، و هم به سود خود این افراد.

این گونه برنامه هر قدر توسعه یابد به سود جامعه است و در ایجاد اشتغال و حرکت های اقتصادی فوق العاده مؤثر است، مشروط بر این که توأم با برنامه ریزی دقیق باشد.

این امر در حالی است که در حال حاضر بخشی از علت رکود در حوزه تولید و ایجاد بحران بیکاری به علت سود بالای بانکی است. دولت در ابتدای کار خود باید در این زمینه تدبیری بیاندیشد تا مشکلات مربوط به بیکاری، تولید و سایر بخشها حل شوند.

بدیهی است وقتی بانکها سود ۳۰ درصد می گیرند و درآمد یک کارخانه ۱۰ درصد است، پیداست که ورشکسته می شود.

با این تفاسیر باید اذعان کرد اگر بخواهیم مسائل اقتصادی را حل کنیم بدون حل مسائل بانکی، این شدنی نیست در حالی که بخش قابل توجهی از مطالبات بانک های ما از سرمایه داران کلان است، تسهیلات در اختیار گردن کلفت ها قرار می گیرد و واحدهای کوچک دادشان به جایی نمی رسد، نباید این طور باشد. باید نظام و سیستم بانکی در اختیار توده مردم باشد تا کار و تولید رونق گیرد.

اینچنین است که مبارزه با بیکاری جوانان، بدون اصلاح نظام بانکداری ممکن نیست،

متأسفانه خرابی کار یکی و دوتا نیست، زبینه نظام نیست که بانکداری ما بعد از سی و نه سال از پیروزی انقلاب، هنوز اسلامی نشده باشد امیدواریم صاحبان بانک ها، مجلس و دیگر دست اندرکاران برای اصلاح نظام بانکی همکاری کنند. و دست به دست هم بدهند و این مشکل را حل کنند، که بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد.

خوداشتغالی جوانان؛ راهبرد کلیدی در کاهش بیکاری

رفع معضل بیکاری یک عمل صالح است که جوانان، سرمایه داران و دولت باید آن را در کشور حل کنند، جوان ما تا وقتی کار نداشته باشد قادر به ازدواج نخواهد بود. از سوی دیگر بیکاری منشا مفاسد فراوانی است و عمده این انحرافات و یا پرونده های دادگستری مولود بیکاری است که اعمال صالح می تواند درمانی شایسته برای این معضل اجتماعی باشد.

لذا اولین رکن در مان بیکاری «همت خود جوانان» است. البته بعضاً جوانان بیان می کنند فلان کار در شان ما نیست، امروز سوال ما از آنان این است که اگر این کارها در شان شما نیست پس چرا امیرمؤمنان (علیه السلام) کشاورزی و باغبانی می کردند. جوانان عزیز، سرور و مولای ما کشاورزی و آبیاری و دامداری می کرد، ما هم نباید از کار کردن خجالت بکشیم؛ چرا که کار کردن عار نیست، سربار جامعه و پدر و مادر شدن عار است.

از نظر اسلام، کار، عار نیست مهم آن است که مفید و سودمند به حال جامعه باشد. متأسفانه گروهی از مردم تنها حاضر به قبول کارهایی هستند که آن را در شأن خود می پندارند و کمتر از آن را ذلت می شمارند. متأسفانه برخی جوانان نیز خیال می کنند کار شایسته آنان وجود ندارد حال آنکه آنها باید با همت و توان به دنبال کار و فعالیت باشند. جوانان باید با جدیت به دنبال کار

باشند؛ به هر کار حلالی تن دهند، و تنها به دنبال کارهای راحت نباشند.

در این بین دولتمردان در واگذاری منابع و امکانات، مخصوصاً به قشر جوان، سخت گیری نکنند. به عنوان نمونه در کشور ما زمین موات بسیار است که می توان این زمین ها را با شرایطی به جوانان واگذار نموده، تا روی آن کار کنند. از سوی دیگر دانشگاهها، جوانان را فقط برای پشت میز نشستن تربیت نکنند، بلکه برای فعالیت در کارهای تولیدی و مهارتی تربیت و آماده سازند.

بسیاری از جوانان دارای مدیریت اقتصاد قوی هستند؛ لکن سرمایه در دست ندارند؛ مانند بسیاری از جوانان فارغ التحصیل دانشگاهها که هم مدیریت دارند و هم توان و نشاط کار؛ ولی فاقد سرمایه اند.

در این جا بانکها می توانند برای آن آنان کمک مؤثری داشته باشند. به این صورت که بانکها سرمایه ای را در اختیار جوانان بی سرمایه قرار دهند تا آنها بر اساس قرارداد، در امر تجاری سرمایه گذاری کنند و از سود به دست آمده درصدی به خود و درصدی به بانک تعلق دهند؛ سپس طی اقساطی، اصل سرمایه را به بانکها بازگردانند.

اشتغال زایی در گرو جلوگیری از فرار سرمایه

پیامدهای منفی خروج سرمایه، مخصوصاً هنگامی که معادل آن چیز با ارزشی وارد کشور نشود، بر هیچ انسان آگاه و مطلعی پوشیده نیست، به ویژه اگر این سرمایه کلان به جیب دشمنان در حال جنگ با اسلام و مسلمین واریز شود، و صرف تهیة سلاح گردد. و طبعاً هر مقدار که مبلغ ارز خارج شده بالاتر رود، خطرات آن هم بیشتر می باشد.

برخی از سرمایه داران همه سرمایه خویش را در بانکهای خارجی گذاشته اند تا از سودش بهر مند شوند، قرآن کریم در آیات متعدد این کار را مذمت کرده و آنها

را به عذاب عظیم و آتش سنگین جهنم وعده داده است.

در وضعیت کنونی اقتصاد در جامعه، خطرناکترین حربه اقتصاد، خروج پول از مرزها است؛ لیکن تأسّف آور است که گفته شود برخی ثروتمندان به جای آنکه در آمدشان را در همین کشور سرمایه گذاری کنند، آن را روانه بانک های خارجی نظیر سوئیس و دبی و دیگر کشورها کردند.

به هر حال غفلت از رویکرد فرار سرمایه از کشور به ویژه از سوی بخش خصوصی خود عامل کلیدی در بحران بیکاری است.

ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری؛ مهمترین مسئولیت دولت

بیکاری یکی از معضلات اساسی جامعه امروز است و دولت باید با برای حل قطعی مشکل اشتغال، اهتمام داشته باشد. بر دولت واجب است در حدّ امکانات خود برای جوانان تولید کار نموده، و معضل بیکاری را حل کند.

در این میان دولت باید تلاش کند تا نرخ بیکاری را کاهش دهد؛ البته در حال حاضر در شرایط سختی قرار داریم، اگر در این شرایط سخت نرخ بیکاری کاهش پیدا کند، افتخار بزرگی محسوب می شود.

در تبیین چگونگی تحقق این مسأله باید گفت دولت برای حل بیکاری باید هزینه زیاد خودش را کم کند و در گام بعدی نحوه پرداخت یارانه ها را هدفمند نماید.

از سوی دیگر دولت باید جلوی بانکهای افسار گسیخته را بگیرد، روزی نیست که از سوی مردم برای من نامه نیاید و از سود بانکها شکایت نداشته باشند. خیلی از کارخانه ها را این بانکها ورشکسته کرده است. در خارج از کشور سود بانکی یک یا دو درصد است و همین امر چرخ صنعت را در آنجا می چرخاند، اگر تورم ۷ درصد است سود بانکی هم باید زیر ۱۰ درصد باشد، تا ورشکستگی در کشور زیاد

نشود.

گام بعدی دولت باید جلوگیری از قاچاق باشد، وقتی تعداد زیادی کامیون کالای قاچاق وارد کشور می کند یقیناً دستگاه تولیدی ما خواهد خوابید.

دولت و کارگزاران حکومت باید در رفع بیکاری توده مردم، از طریق تشکیل تعاونی ها و ایجاد اشتغال و اعطای وام به جمعیت جویای کار و نیازمند و توجه ویژه به مخترعان و مبتکران، همکاری و پشتیبانی کند.

چرخش نخبگانی و رفع بیکاری در گرو مقابله با چند شغله های انحصار طلب

یکی از مسائل مهم جامعه ما بیکاری است که علل و عوامل متعددی دارد و یکی از عوامل آن انحصارطلبی هاست که اگر این عامل از بین برود بسیاری از بیکاران به کار می رسند؛ لذا شاهدیم در جامعه افراد زیادی زندگی می کنند

و نسلهای جدید می آیند که به شغل و کسب در آمد برای زندگی نیاز دارند؛ لیکن بعضی از افراد در جامعه چندین کار را قبضه کرده و باعث می شوند تا دیگران بیکار بمانند، حال آنکه چند شغله ها که چندین کار را قبضه کرده اند باید جایی هم به دیگران بدهد و فقط به فکر این که گلیم خود را از آب بیرون بکشند، نباشند، بلکه به دیگران کار و زندگی و امید دهند.

اینگونه است که در صحنه اجتماع گاهی برخی افراد ۱۰ پست و شغل دارند و در مقابل عده ای بیکار هستند، جوانانی که تحصیلات عالی دارند اما به دلیل اینکه عده ای مشاغل و پست ها را اشغال کرده اند، بیکار مانده اند.

بی شک چند شغله بودن افراد در کشور عوارض و مشکلات زیادی را به همراه دارد از جمله اینکه به دلیل رسیدگی ناکافی، کارها را خراب می کند. و موج بیکاری را افزایش می دهد.

این مساله ناشی از چند چیز می تواند باشد، اینگونه افراد یا می گویند تنها ما لایق هستیم که این امر ناشی از تکبر است و از بدترین صفات به شمار می آید و شیطان نیز به همین دلیل از درگاه خدا رانده شد.

منشا دیگر این مساله نیز حرص، طمع و انحصار طلبی است که می خواهد همه منافع برای خودش باشد و این امر نیز از بدترین رذائل اخلاقی است.

با این اوصاف دولت باید صحنه فعالیت در کشور را باز کند تا دیگران هم بهره مند شده و سرگردان و شرمنده نشوند. جای بسی تأسف است که این فرهنگ بد و نازیبا امروزه در جامعه ما وجود دارد امیدواریم فکر های ما وسیع تر شود، مسائل جناحی را کنار بگذاریم و به فکر همه جامعه باشیم و به دستورات و تعالیم انسان ساز دین مبین اسلام عمل کنیم.

سخن آخر: (مبادا توجیه گری کنید و مسئله مطالبات مردم را نادیده بگیرید)

مردم از بیکاری جوانان خود رنج می برند، جوانان تحصیل کرده بسیاری هستند که مشکل بیکاری دارند، مشکل مردم تعطیل شدن کارخانه ها است، لذا اگر دولت آیین نامه می نویسد باید برای رفع مشکلات معیشتی مردم و بیکاری جوانان باشد، چرا با وجود این که مسأله را می دانند به بیراهه می روند.

دولت بداند مطالبات اقتصادی خاموش نشده و مردم نگران مشکلات اقتصادی هستند و تا این مشکل برطرف نشود، ریشه مشکلات حل نمی شود، باید واقعاً برای مردم کار شود؛ مبادا توجیه گری کنند و مسئله مطالبات مردم را نادیده بگیرند، واقعیات باید پذیرفته شود و مشکلات مردم از جمله بیکاری باید رفع شود.

واقعیت تلخ (حرمتی که نگه داشته نشد)

حجت الاسلام مهدی شبان

چکیده: با رحلت پیامبر(صلی الله علیه و آله) طوفان‌های تازه‌ای از حوادث پیچیده و بحرانی وزیدن گرفت؛ احقاد و کینه‌های بدر، خیبر و حنین که در عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) در زیر خاکستر پنهان بود آشکار گشت؛ احزاب منافقین به جنب و جوش افتادند تا هم از اسلام انتقام بگیرند و هم از خاندان پیامبر(صلی الله علیه و آله)؛ و فاطمه زهرا(سلام الله علیها) در مرکز این دایره بود که تیرهای زهرآگین دشمنان از هر سو به سوی آن پرتاب می شد.

مقدمه

دوران شیرین زندگانی بانوی اسلام فاطمه زهرا(علیها السلام) با رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سرعت سپری شد، هر چند به یک معنا در سراسر زندگی او، دوران شیرینی وجود نداشت، چرا که پیوسته فشارها و جنگ‌ها و توطئه‌های دشمنان بر ضد اسلام و پیامبر آرامش روح فاطمه (علیها السلام) را بر هم می زد.

با رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) طوفان‌های تازه‌ای از حوادث پیچیده و بحرانی وزیدن گرفت؛ احقاد و کینه‌های بدر، خیبر و حنین که در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زیر خاکستر پنهان بود آشکار گشت؛ احزاب منافقین به جنب و جوش افتادند تا هم از اسلام انتقام بگیرند و هم از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله)؛ و فاطمه زهرا (علیها السلام) در مرکز این دایره بود که تیرهای زهرآگین دشمنان از هر سو به سوی آن پرتاب می شد.

فراق و جدایی دردناک پدر از یکسو، مظلومیت غم‌انگیز و جانکاه همسرش امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از سوی دیگر، توطئه‌های دشمنان بر ضد اسلام از دیگر سو و نگرانی فاطمه (علیها السلام) از آینده مسلمین و حفظ میراث قرآن، و سنت نبوی، دست به دست هم داده، قلب و روح پاکش را سخت می فشردند.

فاطمه (علیها السلام) نمی‌خواهد با بیان غم‌های خود، روح پاک امیرمؤمنان علی علیه السلام را که سخت از آن اوضاع ناگوار و خلاف کاری‌های امت ضربه دیده، آزرده تر سازد؛ به همین دلیل به کنار قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌رفت و با او درد دل می کرد؛ و سخنان جانسوزی همچون اخگر آتش که اعماق وجود انسان را می‌سوزاند، بر زبان می آورد. (۱)

آنچه در این مقاله به خوانندگان محترم ارائه می شود نقل گوشه‌ای از روایات متعدد از متون اهل سنت پیرامون واقعیات تلخ بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌باشد.

تذکر این نکته نیز لازم است که بیان حقایق به شیوه علمی و منطقی و مستدل و خالی از هرگونه تعصب و توهین به مقدسات، منافات با وحدت اسلامی ندارد.

به قول استاد شهید مرتضی مطهری: «مخالفین اتحاد مسلمین برای اینکه از وحدت اسلامی مفهومی غیرمنطقی و غیرعملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت

تهدید به آتش زدن خانه حضرت توسط خلیفه دوم

اثبات عملی شدن این تهدید

قطره ای از بحر فضائل زهرای مرضیه سلام‌الله علیها در منابع اهل سنت بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) طوفان عجیبی در جامعه اسلامی بر سر مسأله خلافت در گرفت، طوفانی که نتیجه آن تغییر محور خلافت از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سوی افراد دیگری بود، آن‌ها که از سوی خدا به عنوان جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) معرفی شده بودند کنار زده شدند و دیگران جای آن‌ها را گرفتند.

منزوی شدن اهل بیت (علیهم السلام) سبب شد که مقامات حاکم آنچه از فضایل و مناقب در شأن آن‌ها بود و طبعاً شایستگی و اولویت آن‌ها را برای مسأله خلافت اثبات می‌کرد، سانسور کنند؛ زیرا ذکر این مناقب و فضایل برای همه سؤال انگیز بود که اگر آن‌ها دارای چنین مقاماتی بوده اند پس چرا دیگران پیشی گرفتند؟! (۳)

اما از آنجا که خواست پروردگار بر باقی ماندن این فضائل بود، فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) بطور کلی از بین نرفت و به راستی که ذکر احادیث فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) در کتب مخالفان و عبور آن از کانال زمان و محیطی که نهادن نام "علی" بر فرزند جرمی نابخشودنی محسوب می‌شد، خود معجزه است؛ آری آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (۴)

شیعه و سنی روایات بسیاری از پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله در شأن و منزلت حضرت زهراء سلام‌الله علیها بیان نقل نموده اند که نشان از جایگاه ویژه وبالای

حضرت صدیقه طاهره دارد ما نیز قبل از ورود به اصل بحث تنها چند روایت از بحر بیکران فضائل برترین بانوی جهان از منابع معتبر اهل سنت نقل می‌کنیم.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (۵) فاطمه (سلام‌الله علیها) سرور زنان اهل بهشت است.

۲. آلوسی که از استوانه‌های علمی اهل سنت است در تفسیر روح المعانی در مورد مقام والای حضرت زهراء سلام‌الله علیها می گوید:

«وَالَّذِي أَمِيلُ إِلَيْهِ - أَنْ فَاطِمَةُ الْبُتُولُ أَفْضَلُ النِّسَاءِ الْمُتَقَدِّمَاتِ وَالْمُتَأَخِّرَاتِ مِنْ حَيْثُ إِنَّهَا بَضْعَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ بَلْ وَ مَنْ حَيْثِيَّاتٍ آخَرَ أَيْضاً ، وَ لَا يَعْكَرُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْأَخْبَارِ السَّاقِبَةُ لِحَوَازِ أَنْ يُرَادَ بِهَا أَفْضَلِيَّةٌ غَيْرَهَا غَلِيهَا مِنْ بَعْضِ الْجِهَاتِ وَبِحَيْثِيَّةٍ مِنَ الْحَيْثِيَّاتِ - وَ بِهِ يُجْمَعُ بَيْنَ الْأَثَارِ - وَ هَذَا سَائِعٌ عَلَي الْقَوْلِ بِنُبُوَّةِ مَرِيَمَ أَيْضاً إِذِ الْبُضْعِيَّةُ مِنْ رُوحِ الْوُجُودِ وَ سَيِّدُ كُلِّ مَوْجُودٍ لَا آرَاهَا تَقَابُلُ بِشَيْءٍ وَ أَيْنَ الثَّرِيَّا يَدُ» (۶) نظر من این است که فاطمه بتول افضل از تمام زنان اولین و آخرین است از جهت این که او پاره تن رسول الله (صلی الله علیه و سلم) است و از سایر جهات هم همین‌گونه است و ... حتی اگر ما قائل شویم که حضرت مریم نبی بوده باز هم فاطمه افضل از او است؛ زیرا پاره تن روح وجود عالم هستی و پاره تن سید تمام موجودات است [یعنی رسول الله (صلی الله علیه و سلم)] و با هیچ چیزی قابل مقایسه نیست. چه زمانی می‌تواند این دست‌های بشری به ستاره ثریا برسد؟

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «أَتَمَّا فَاطِمَةَ بَضْعَةَ مَنِّي يُؤَدِّينِي مَا آذَاهَا» (۷) فاطمه (سلام‌الله علیها) پاره تن من است هر چه او را آزار دهد مرا می‌آزارد.

آری آزار فاطمه (سلام‌الله علیها) آزار رسول اکرم صلوات الله علیه و آله است؛ و جزای آزار رسول الله صلی‌الله علیه و آله

نیز در قرآن کریم آمده است.

در دو آیه از آیات قرآن کریم جزای آزار دهندگان رسول الله صلی‌الله علیه و آله را عذاب الهی و دوری از رحمت پروردگاریان می‌دارد آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً مُهِيناً» (۸) آن‌ها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند؛ خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته و برای آن‌ها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است. در آیه ای دیگر نیز می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (۹) آن‌ها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند.

۴. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِذَا سَافَرَ كَانَ آخِرَ عَهْدِهِ بِأَنْسَانٍ مِنْ أَهْلِهِ فَاطِمَةَ (س) وَ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْهِ إِذَا قَدِمَ فَاطِمَةَ» (۱۰) هر زمان پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) به سفر می‌رفت آخرین کسی را که خداحافظی می‌کرد دخترش فاطمه (سلام‌الله علیها) بود و هنگامی که از سفر باز می‌گشت نخستین کسی را که دیدار می‌کرد زهرا (سلام‌الله علیها) بود.

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «إِنَّ اللَّهَ يَعْضِبُ لِعَضْبِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ» (۱۱) خداوند بخاطر خشم تو خشمگین می‌شود و به خاطر رضای تو راضی می‌شود

ما در شبانه روز حداقل ده مرتبه دعا می‌کنیم از کسانی که مورد غضب الهی قرار گرفته‌اند، نباشیم «اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و الضالین» از جمله کسانی که در زمره مغضوبینند کسانی هستند که باعث خشم و غضب و نارضایتی فاطمه زهراء سلام‌الله علیها شده‌اند.

عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ لِعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ: «أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ وَ سَلَّمَ لِمَنْ سَالَمْتُمْ» (۱۲) زید بن ارقم از نبی مکرم اسلام [صلی‌الله علیه و آله] نقل

می‌کند که حضرت به علی و فاطمه و حسن و حسین [علیهم السلام] فرمودند: من با کسی که با شما جنگ کند اعلان جنگ می‌کنم و با کسی که با شما صلح کند اعلان صلح می‌کنم.

۷. «عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهَا قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشَبَّهَ كَلَامًا وَحَدِيثًا مِنْ فَاطِمَةَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحِبَ بِهَا وَ قَامَ إِلَيْهَا، فَأَخَذَ بِيَدِهَا فَقَبَّلَهَا، وَ اجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ» (۱۳) عائشه ام المومنین نقل می‌کند که: «من هیچ کس را در سخن گفتن از فاطمه شبیه تر به رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) ندیدم، هنگامی که وارد بر پدر می‌شد به او خوش آمد می‌گفت و در برابر دخترش فاطمه بر می‌خاست، دست او را می‌گرفت و می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند».

منابع معروف و مشهور اهل سنت پر است از احادیثی که مناقب حضرت زهراء سلام الله عليها را بیان می‌کند ما در این بخش تنها به ذکر چند روایت از منابع معتبر اهل سنت اکتفا نمودیم. در باب مناقب حضرت زهراء سلام الله عليها برخی از اهل سنت حتی کتاب مستقل نگاشته اند بنابراین مقام و منزلت والای دخت نبی مکرم اسلام (صلی‌الله علیه و آله) بر هیچ کس پوشیده نیست. (۱۴)

آیا حضرت زهرا سلام الله عليها از خلیفه اول راضی بودند؟

بر اساس آنچه در معتبرترین متون اهل سنت آمده است می‌توان به یقین بیان کرد که حضرت زهراء سلام الله عليها از خلفاء رضایت نداشته اند. البته این عدم رضایت و غضب حضرت فاطمه عليها السلام قطعاً بدون دلیل نمی‌باشد علت غضب حضرت زهراء سلام الله عليها نیز در متون اهل سنت آمده است که به آن اشاره خواهیم کرد.

برای اثبات عدم رضایت حضرت صدیقه طاهره از خلفاء ما در این بخش تنها به چند روایت از کتب معتبر اهل سنت

استناد می‌کنیم و قضاوت را برعهده و جدان‌های منصف و آگاه می‌سپاریم.

۱. صحیح بخاری (۱۵) و صحیح مسلم (۱۶) دو کتاب معتبر اهل سنت روایتی را از عایشه نقل می‌کنند متن روایت به شرح زیر است «عَنْ عَائِشَةَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ النَّبِيِّ أُرْسِلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالْمَدِينَةِ وَ فَدَكَ وَ مَا بَقِيَ مِنْ خُمْسِ خَيْبَرَ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: لَا نُورِثُ مَا تَرَكَنَا صَدَقَةً أَلَمَّا يَأْكُلُ آلُ مُحَمَّدٍ فِي هَذَا الْمَالِ وَ أَنَّى وَ اللَّهُ لَا أُعْزِرُ شَيْئًا مِنْ صَدَقَةٍ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ حَالِهَا الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَاعْمَلَنَّ فِيهَا بِمَاعْمَلِ رَسُولِ اللَّهِ فَابِي أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَيَّ فَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئًا فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَالِكَ فَهَجَرْتَهُ فَلَمْ تُكَلِّمُهُ حَتَّى تُوَفِّيَتْ وَ عَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَلَمَّا تُوَفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِيُّ لَيْلًا وَ لَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَ صَلَّى عَلَيْهَا»؛

(عایشه نقل می‌کند که فاطمه شخصی را نزد ابوبکر فرستاد و ارث خود را که از رسول‌الله برایش بود از فیء و فدک و مابقی خمس خیبر از ابوبکر طلب کرد. ابوبکر گفت پیامبر فرموده است ما ارث نمی‌گذاریم هر آنچه از اموالمان باقی بماند صدقه است! آل پیامبر هم از آن سهم دارند [مانند سایر مسلمین] و به خدا قسم صدقه پیامبر را تغییر نخواهم داد و به همانگونه که در زمان حیات پیامبر عمل می‌شده عمل خواهیم کرد، بنابراین ابوبکر از دادن چیزی از آن ارثیه به فاطمه امتناع ورزید.

پس فاطمه بر ابوبکر غضب کرد و از او دوری کرد و با ابوبکر دیگر تکلم نکرد تا زمانی که از دنیا رفت و فاطمه بعد از پیامبر شش ماه زندگی کرد و زمانی که از دنیا رفت نیز همسرش علی او را شبانه دفن کرد و برای تدفین و نماز ابوبکر را خبر نکرد. این روایت از عایشه ام المؤمنین است در دو کتاب صحیح اهل سنت که از معتبرترین کتاب‌ها نزد

عامه اهل سنت می‌باشد نقل شده است. از این عبارت «فَابِي أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَيَّ فَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئًا فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَالِكَ فَهَجَرْتَهُ فَلَمْ تُكَلِّمُهُ حَتَّى تُوَفِّيَتْ» چند نکته از این روایت می‌توان فهمید:

الف - وجود اختلاف و نزاع میان حضرت زهرا سلام‌الله عليها و ابوبکر

ب- غضب حضرت زهراء عليها السلام بر ابوبکر

ج- تداوم این غضب تا زمان شهادت حضرت زهراء سلام‌الله عليها

۲. ابن قتیبہ (۱۷) روایتی را نقل می‌کند که نشان دهنده پشیمانی عمر و ابوبکر از رفتارشان با حضرت زهراء سلام‌الله عليها دارد لذا برای رضایت گرفتن از حضرت به خانه ایشان می‌روند

فَقَالَ عُمَرُ لَا بِي بَكْرٍ أَنْطَلِقُ بِنَا إِلَى فَاطِمَةَ فَا نَا قَدْ اغْضَبْنَا هَا فَانْطَلِقَا جَمِيعًا فَاسْتَأْذِنَا عَلَى فَاطِمَةَ فَلَمْ تَأْذِنْ لَهُمَا فَاتِيَا عَلِيًّا فَكَلَّمَاهُ فَادْخَلَهُمَا عَلَيْهَا فَلَمَّا قَعَدَا عِنْدَهَا حَوَّلَتْ وَجْهَهَا إِلَى الْحَائِطِ فَسَلَّمَ عَلَيْهَا فَلَمْ تَرُدَّ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ فَتَكَلَّمَ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ يَا حَبِيبَةَ رَسُولِ اللَّهِ وَ اللَّهُ إِنَّ قَرَابَةَ رَسُولِ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ قَرَابَةِ وَا نِكَ لَا حَبِّ إِلَيَّ مِنْ عَائِشَةَ ابْنَتِي وَ لَوِ دِدْتُ يَوْمَ مَاتَ أَبُو كَانِي مِثًّا وَ لَأَبْقَى بَعْدَهُ افْتِرَانِي أَعْرِفُكَ وَ أَعْرِفُ فَضْلُكَ وَ شَرَفُكَ وَ أَمْنَعُكَ حَقُكَ وَ مِيرَاثُكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ؟ أَلَا أَنِّي سَمِعْتُ أَبَاكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَا نُورِثُ، مَا تَرَكَنَا فِيهِوَ صَدَقَةٌ فَقَالَتْ: أَرَأَيْتَكُمَا إِنَّ حَدِيثَكُمَا حَدِيثًا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ تَعْرِفَانَهُ وَ تَفْعَلَانِ بِهِ؟ قَالَ نَعَمْ فَقَالَتْ نَسُدُّ تَكَلَّمَ اللَّهُ أَلَمْ تَسْمَعَا رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ رِضَا فَاطِمَةَ مِنْ رِضَايَ وَ سَخَطَ فَاطِمَةَ مِنْ سَخَطِي فَمَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ فَقَدْ أَحْبَبَنِي وَ مَنْ أَرْضَى فَا مَهُ فَقَدْ أَرْضَى وَ مَنْ أَسْخَطَ فَاطِمَةَ فَقَدْ أَسْخَطَنِي قَالَ نَعَمْ سَمِعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ قَالَتْ فَا نِي أَشْهَدُ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ أَنَّكُمَا اسْخَطْتُمَانِي وَ مَا أَرْضِيْتُمَانِي وَ لَكِنُّ لَقِيْتُ النَّبِيَّ لِأَشْكُو نَكْمَا إِلَيْهِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: اَنَا عَائِدٌ بِاللَّهِ تَعَالَى مِنْ سَخَطِهِ وَ سَخَطِكَ يَا

فاطمه ثُمَّ انْتَحَبَ أَبُو بَكْرٍ بِيكِي حَتَّى كَادَتْ نَفْسُهُ أَنْ تَرْهَقَ وَ هِيَ تَقُولُ: وَ اللَّهُ لَأَدْعُونَ اللَّهَ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَاةٍ اصْلِيهَا» (۱۸)

عمر به ابوبکر گفت: بیا با هم به پیش فاطمه برویم؛ زیرا ما او را غضبناک کردیم، پس به راه افتادند و از فاطمه اذن ورود خواستند، ولی او اجازه نداد. به نزد علی رفته و با او سخن گفتند، او آن‌ها را به داخل خانه آورد و چون نزد فاطمه نشستند، آن حضرت صورتش را به طرف دیوار برگرداند و جواب سلام آنان را نداد.

پس ابوبکر گفت: ای محبوب رسول خدا به خدا سوگند خویشاوندی رسول خدا نزد من دوست داشتنی تر از خویشاوندی خودم می‌باشد و من تو را از دخترم عایشه بیشتر دوست دارم، روزی که پدرت وفات کرد دوست داشتیم من هم می‌مردم تا بعد از او باقی نمانم، آیا گمان می‌کنی من با این که تو را می‌شناسم و فضل و شرف تو را می‌دانم تو را از حق و میراث محروم می‌کنم؟ اما از پدرت رسول خدا شنیدیم که می‌گفت: ما ارث بجا نمی‌گذاریم و هر چه از ما باقی بماند صدقه است؛ در این هنگام فاطمه فرمود: اگر حدیثی از رسول خدا برای شما نقل کنم آیا آن را تأیید می‌کنید و به آن عمل می‌کنید؟

گفتند: آری! فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا شما دو نفر از رسول خدا نشنیدید که فرمود: خشنودی فاطمه خشنودی من و ناراحتی او ناراحتی من است، هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد و احترام کند مرا دوست داشته و احترام کرده است و هر کس فاطمه را خشنود نماید مرا خشنود کرده است و هر کس فاطمه را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است؟! ابوبکر و عمر هر دو اعتراف کرده و گفتند: آری ما از رسول خدا این گونه شنیدیم. سپس فرمود: پس من خدا و فرشتگان را شاهد می‌گیرم که شما دو نفر مرا اذیت و ناراحت کرده‌اید و رضایت مرا بدست نیاورده‌اید و در ملاقات با

پدرم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد. ابوبکر گفت: من از خشم او (پیامبر) و خشم تو ای فاطمه به خدا پناه می‌برم... . سپس حضرت فرمود: به خدا قسم پس از هر نماز بر تو نفرین خواهم کرد.

۳. بیهقی نیز تصریح دارد که حضرت زهراء سلام‌الله عليها از ابوبکر ناراضی بود و تا آخر عمر شریف خود با ابوبکر تکلم نکرد. «فَعْضِبَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَ هَجَرْتَهُ فَلَمْ تُكَلِّمُهُ حَتَّى مَاتَتْ فَدَفَنَهَا عَلِيُّ لَيْلًا» (۱۹) حضرت فاطمه بر ابوبکر غضب کرد و از او اعراض نمود و با او صحبت نکرد تا اینکه وفات یافت پس علی شبانه او را دفن کرد.

آیا تهدید به آتش زدن خانه حضرت زهراء سلام الله عليها توسط خلیفه دوم صحیح است؟

حوادث تلخ و ظلم‌های بسیاری بعد از رحلت پیامبر عظم الشان اسلام صلی‌الله علیه وآله در حق اهل بیت او شد همان اهل بیتهی که پیامبر صلی‌الله علیه وآله مدام بر محبت و مودت به آن‌ها تاکید می‌ورزید و در قرآن کریم از آن به عنوان اجر رسالت پیامبر صلی‌الله علیه وآله یاد شده است.

«ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۲۰) این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند به آن نوید می‌دهد! بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

تهدید به آتش زدن خانه دختر پیامبر مکرم اسلام (صلی‌الله علیه و آله)

تنها بعد از اندک زمانی بعد از رحلت پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) یکی از واقعیات تلخی است که در متون اهل سنت نیز به آن اشاره شده است ما در این بخش نیز به ذکر چند روایت از کتب معتبر اهل سنت اکتفا می‌کنیم.

۱. ابن ابی شیبہ در کتاب المصنف خود این گونه نقل می‌کند:

«حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ أَسْلَمَ عَنْ أَبِيهِ أَسْلَمَ أَنَّهُ حِينَ بُوِيعَ لِأَبِي بَكْرٍ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كَانَ عَلِيُّ وَ الزُّبَيْرُ يَدْخُلَانِ عَلِيَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) فَيُشَاوِرُونَهَا وَ يَرْتَجِعُونَ فِي أَمْرِ هُمْ فَلَمَّا بَلَغَ ذَالِكَ عُمَرُ بْنُ خَطَّابٍ خَرَجَ حَتَّى دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ فَقَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ اللَّهُ مَا أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيْنَا مِنْ أَبِيكَ وَ مَا مِنْ أَحَدٍ أَحَبَّ إِلَيْنَا بَعْدَ أَبِيكَ مِنْكَ وَ إِيْمُ اللَّهِ مَا ذَالِكَ بِمَانِعِي أَنْ اجْتَمَعَ هَوْلَاءُ النَّفَرِ عِنْدَكَ أَنْ أَمْرْتَهُمْ أَنْ يُحْرِقَ عَلَيْهِمُ النَّبِيَّتُ قَالَ: فَلَمَّا خَرَجَ عُمَرُ جَاءَهَا فَقَالَتْ «تَعْلَمُونَ أَنَّ عُمَرَ قَدْ جَاءَنِي وَ قَدْ حَلَفَ بِاللَّهِ لَنْ عُدَّتْ لِي حُرْقَنَ عَلَيْكُمْ النَّبِيَّتُ وَ إِيْمُ اللَّهِ لِيْمْضِينَ لِمَا حَلَفَ عَلَيْهِ...» (۲۱)

زید بن اسلم به نقل از پدرش می‌گوید: هنگامی که مردم بعد از پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) با ابی بکر بیعت کردند، علی و زبیر بر فاطمه عليها السلام وارد شدند و با ایشان به مشاوره می‌پرداختند، به کار خود [استکناف از بیعت] ادامه می‌دادند زمانیکه این خبر به عمر بن خطاب رسید. او بیرون آمد و نزد فاطمه رفت و گفت: ای دختر رسول خدا، هیچ کس برای ما محبوب تر از پدر تو نیست و پس از پدرت نیز هیچ کس نزد ما محبوب تر از تو نیست، و سوگند به خدا این محبت مانع از آن نیست که اگر این افراد در خانه تو جمع شوند دستور دهم خانه را بر سرشان به آتش کشیده شود.

راوی می‌گوید وقتی عمر بیرون رفت آن‌ها [تحصن کنندگان] نزد حضرت آمدند آن حضرت فرمود: دانستید که عمر پیش من آمد و به خدا قسم خورد که اگر نزد من بازگردید خانه را بر سرتان به آتش می‌کشد و قسم به خدا که او آنچه را که برایش سوگند خورده انجام می‌دهد.» این روایت را سیوطی در جامع الاحادیث خود و ابن ابی الحدید در شرح

نهج البلاغه و تعداد دیگری از اهل سنت نقل کرده اند. (۲۲)

۲. طبری در تاریخ خود در نقل حوادث سال ۱۱ هجری به این تهدید اشاره دارد (۲۳) قَالَ: اَتَى عُمَرَ بْنَ خَطَّابٍ مَنَزِلَ عَلِيٍّ وَ فِيهِ طَلْحَةُ وَ الزُّبَيْرُ وَ رَجَالٌ مِّنَ الْمُهَاجِرِينَ فَقَالَ وَ اللَّهُ لَأَحْرَقَنَّ عَلَيْكُمْ أَوْ لَتُخْرِجَنَّ إِلَى الْبَيْعَةِ زِيَادَ بْنَ كَلْبٍ مِي گويد: عمر به منزل علی آمد و در حالیکه آنجا طلحه و زبیر و عده‌ای از مهاجرین تحصن کرده بودند عمر گفت: به خدا سوگند یا بیعت کنید و یا خانه را آتش می زنم.

۳. ابن قتیبه یکی دیگر از علمای اهل سنت است که در کتاب الامامه و السیاسه خود اشاره به این تهدیدات می نماید. (۲۴) و ان ابابکر تفقد قوما تخلفوا عن بیعة عند علی کرم الله وجهه فبعث الهیثم عمر فجاء فناداهم و هم فی دار علی فابوا ان یخرجوا فدعا بالحطب و قال: و الذی نفس عمر بیده لتخرجن او لاحرقنها علی من فیها فقیل له: یا اباحفض ان فیها فاطمه فقال: و ان... «؛ ابوبکر جوایب کسانی شد که از بیعت با او سرپیچی کرده بودند و در خانه علی کرم الله وجهه اجتماع کرده بودند عمر را به سوی آن ها فرستاد، عمر آنان را فراخواند آنها از منزل علی خارج نشدند عمر هیثم طلبید و گفت: قسم به کسی که جان عمر در دست اوست یا خارج شوید و یا خانه را براهلش آتش می کشم.

به عمر گفته شد: ای اباحفض در خانه فاطمه است. عمر گفت: گرچه فاطمه باشد....

آیا این تهدیدات عملی شد؟ ام سلمه می گوید: هنگامی که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدن بانوی اسلام فاطمه علیها السلام رفتم و جوایب حال او شدم، در پاسخ این جمله های پر معنا را بیان کرد: «أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَ كَرْبٍ، فَقَدْ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ ظَلِمَ الْوَصِيُّ، هَتَكَ وَاللَّهِ حِجَابَهُ ... وَ

لَكِنَّهَا أَحْقَادٌ بَدْرِيَّةٌ، وَ تَرَاتٌ أَحَدِيَّةٌ، كَانَتْ عَلَيْهَا قُلُوبُ النَّفَاقِ مُكْتَمَنَةً» (۲۵)

از حالم چه می پرسی ای ام سلمه، من در میان اندوه و رنج بسیار بسر می برم، از یکسو پدرم پیامبر صلی الله علیه و آله را از دست داده‌ام و از سوی دیگر [با چشم خود می بینم که] به جانشینش [علی بن ابی طالب] ستم شده است، بخدا سوگند که پرده حرمتش را دریدند ... ولی من می دانم اینها کینه های بدر و انتقام‌های احد است، که در قلوب منافقان پنهان و پوشیده بود

چقدر زود فراموش شد آنهمه توصیه به مودت و محبت به اهل بیت علیهم السلام! چه خوب مزد زحمات و تلاش ها، و اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله داده شد اجری به سود خود مؤمنان بود، نه به سود پیامبر صلی الله علیه و آله، اجری که به تعبیر قرآن وسیله ای بود برای هدایت یافتن به راه خدا. «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (۲۶) «بگو: من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی طلبم؛ مگر کسی که بخواهد راهی بسوی پروردگارش برگزیند (این پاداش من است).

غاصبین خلافت با هجوم به خانه حضرت زهراء (سلام الله علیها) دختر پیامبر عظیم الشأن اسلام (صلی الله علیه و آله) و هتک حرمت آن، اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را ادا کردند.

تلخ ترین واقعیت این است که آنها متاسفانه به تهدید اکتفا نمودند و جنایتی تلخ در صدر اسلام رقم خورد، جنایتی که صفحه تاریخ را سیاه کرد و اتفاق افتاد آنچه نباید اتفاق می افتاد، حادثه ای که اوج مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) را بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشان می دهد، حادثه ای که زهرا (رضیه علیها السلام) را خانه نشین کرد و موجب بستری شدن بی بی دو عالم و نهایتاً شهادت مظلومانه حضرت

زهراء (سلام الله علیها) در سن جوانی شد، جنایتی که باعث شهادت محسن بن علی (علیه السلام) شد. برخی از اهل سنت خواسته اند تا بر این واقعیات تلخ سرپوش بگذارند و منکر اصل این قضایا شوند و حتی عده ای آنرا افسانه نامیده اند، ای کاش، ای کاش افسانه بود... .

برای اثبات عملی شدن تهدیدات می توان به سه دسته از روایات در متون اهل سنت استناد نمود:

۱. روایاتی که صراحتاً به بیان اصل ماجرا پرداخته اند.

۲. روایاتی که اشاره به سقط شدن حضرت محسن علیه السلام دارد.

۳. روایاتی که اشاره به اظهار ندامت ابوبکر از کار خود در پایان عمر خود دارد.

دسته نخست: روایاتی صراحتاً اشاره به اصل ماجرا دارد

۱. جوینی (امام الحرمین) (۲۷) در فرائدالسمطین نقل می کند: روزی پیامبر نشسته بود و امام حسن وارد شد دیدگان پیامبر که بر او افتاد، دیدگانش اشک آلود شد. سپس امام حسین وارد شد و باز هم گریست. علی و فاطمه هم وارد شدند و باز هم پیامبر گریست. وقتی از پیامبر علت گریه را پرسیدند، این چنین فرمود: «قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «وَأَنِّي لَمَّا رَأَيْتُهَا ذَكَرْتُ مَا يُضَنَعُ بِهَا بَعْدِي كَأَنِّي بِهَا وَ قَدْ دَخَلَ الذَّلُّ فِي بَيْتِهَا وَ انْتَهَكَتْ حُرْمَتَهَا وَ غَصِبَتْ حَقَّهَا وَ مَنَعَتْ إِزْنَهَا وَ كَسَرَتْ جَنْبَهَا أَوْ كَسَرَتْ جَنْبَيْهَا وَ أَسْقَطَتْ جَنْبَيْهَا وَ هِيَ تَنَادِي يَا مُحَمَّدَاهُ فَلَا تُجَابُ وَ تَسْتَغِيثُ فَلَا تَعَاثُ ... فَتَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَلْحَقَنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَتَقْدَمُ عَلَيَّ مَحْزُونَةً مَكْرُوبَةً مَعْمُومَةً مَعْصُوبَةً مَقْتُولَةً. فَأَقُولُ عِنْدَ ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ مَنْ ظَلَمَهَا وَ عَاقَبَ مَنْ غَصَبَهَا وَ ذَلَّلَ مَنْ أَذَلَّهَا وَ خَلَدَ فِي نَارِكَ مَنْ ضَرَبَ جَنْبَهَا حَتَّى أَلْقَتْ وَ لَدَهَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ ذَلِكَ آمِينَ». (۲۸)

(وقتی فاطمه را دیدم، به یادم افتاد آنچه

که بعد از من، امت من در حق فاطمه می کنند. گویا می بینم که ذلت وارد خانه او شده، حرمت او را پایمال کرده‌اند، حقش را غصب کرده‌اند، ارث او را منع کرده‌اند، پهلویش را شکسته‌اند، جنین او را سقط کرده‌اند در حالی که دخترم فریاد می زند یا محمد! ولی کسی او را جواب نمی دهد. هر چه کمک می خواهد کسی به داد او نمی رسد. اول کسی که از اهل بیت من به من ملحق می شود فاطمه است. پیش من خواهد آمد در حالیکه ناراحت و غمگین و حقش غصب شده و شهید شده است. پیامبر دستش را بلند کرد و گفت: خدایا! لعنت کن هر کس به فاطمه ظلم کرده؛ و مجازات کن کسی که حقش را غصب کرده؛ و دلیل کن هر کس که زمینه ذلت او را فراهم کرده و در آتش خودت جاودانه نگهدار کسی را که بر پهلوی فاطمه زد و فرزندش سقط شد. در این هنگام ملائکه گفتند: آمین).

۲. ابن قتیبه نیز در کتاب «الامامه و السیاسه» اصل ماجرا را این گونه نقل کرده است (۲۹)

«ثم قام عمر مشى معه جماعه حتى اتوا باب فاطمه (سلام الله علیها) دقوا الباب فلما سمعت اصواتهم نادت باعلی صوتها یا ابت یا رسول الله ما ذا لقینا بعدک من ابن الخطاب و ابن ابی قحافه فلما سمع القوم صوتها و بکائها انصرفوا باکین و کادت قلوبهم تنصدع و اکبادهم تنفطر؛ و بقی عمر و معه قوم فاخرجوا علیا فمضوا به الی ابی بکر»؛

(آنگاه عمر برخاست و با گروهی به درب خانه فاطمه (سلام الله علیها) رفت در ب را کوبید وقتی فاطمه سلام الله علیها صدایشان را شنید با صدای بلند فریاد زد ای پدر جان ای رسول خدا بین این خطاب و ابن ابی قحافه بعد از تو چه بر سر ما می آورند؟ وقتی مردم صدای گریه فاطمه سلام الله علیها را شنیدند با گریه برگشتند نزدیک بود قلب و جگرشان پاره شود اما عمر و گروهی باقی ماندند و

سرانجام علی علیه السلام را به زور از خانه بیرون کشیدند و او را نزد ابوبکر آوردند). ۳. ابن تیمیه نیز نمی تواند منکر اصل ورود به خانه حضرت زهرا (رضیه علیها) شود بلکه برای این عمل توجیهی بسیار خنده دار می آورد. او در نقد حدیثی که اشاره به اظهار ندامت ابوبکر از کار خود در پایان عمر خود دارد (۳۰) می گوید: «غایه ما یقال انه کبس البیت لینظر هل فیه شیء من مال الله الذی یقسمه و ان یعطیه لمستحقه ثم رأى أنه لو ترکه لهم لجاز فانه یجوز أن یعطیهم من مال الفیء» (۳۱) (نهایت چیزی که می توان گفت این است که آن‌ها وارد خانه ایشان شدند می خواستند ببینند که آیا در خانه فاطمه اموالی از بیت المال هست که ذخیره کرده باشند تا آن‌ها را مصادره کنند و میان مردم توزیع کنند!!)

دسته دوم: روایاتی که اشاره به سقط شدن حضرت محسن علیه السلام دارد شهادت حضرت محسن علیه السلام گواه دیگری بر حرمت شکنی غاصبان خلافت می باشد این واقعیت تلخ نیز در کتب اهل سنت بیان شده است ما به عنوان نمونه به برخی از این اسناد اشاره می کنیم.

۱. مسعودی شافعی در "اثبات الوصیه" می نویسد: «فوجهاوا الی منزله فهجموا علیه و احرقوا بابه و استخرجوه منه کرها و ضغطوا سیده نساء العالمین بالباب حتی اسقطت محسنا» (۳۲) به سوی منزلش [حضرت علی علیه السلام] رفته و بر آن هجوم آوردند درب خانه‌اش را آتش زدند و او را به زور از خانه بیرون آوردند و سرور زنان بهشت را پشت در چنان فشردند تا محسن سقط شد.

۲. شهرستانی در کتاب ملل و نحل خود از قول نظام معتزلی بیان می کند که: «ان عمر ضرب بطن فاطمه یوم البیعه حتی القت الجنین من بطنها و کان یصیح عمر: احرقوا دارها بمن فیها و ما کان بالدار غیر علی و فاطمه و الحسن و الحسین» (۳۳) در روز بیعت، عمر به

شکم فاطمه زد و در اثر این ضربه جنین از شکم فاطمه افتاد و عمر فریاد می زد: خانه را بر اهل آن بسوزانید، و در خانه به غیر از علی و فاطمه و حسن و حسین کسی نبود!

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج ۱۴ داستانی را نقل می کند که عده‌ای از مشرکان از جمله هبار بن اسود، ناقه زینب، ربیبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تعقیب می کردند، وقتی هبار به خیمه زینب رسید وقتی به مدینه آمد بچه هودج او پرتاب کرد زینب حامله بود از این حمله ترسید وقتی به مدینه آمد بچه اش سقط شد پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند که هر جا هبار را دیدید او را به قتل برسانید بعد استادش این گونه نقل می کند که:

«فَقَالَ إِذَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صِي أَبَاحَ دَمَ هَبَارِ بْنِ الْأَسْوَدِ لِأَنَّهُ رَوَعَ زَيْنَبَ فَأَلْقَتْ ذَا بَطْنِهَا؛ فَظَهَرَ الْحَالُ أَنَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لِأَبَاحَ دَمَ مَنْ رَوَعَ فَاطِمَةَ حَتَّى أَلْقَتْ ذَا بَطْنِهَا. فَقُلْتُ: أَرَوِي عَنْكَ مَا يَقُولُهُ قَوْمٌ إِنَّ فَاطِمَةَ رَوَعَهُ فَأَلْقَتْ الْمُحْسَنَ؟ فَقَالَ لَا تَرَوْهُ عَنِّي وَ لَا تَرَوْهُ عَنِّي بَطْلَانَهُ». (۳۴) زمانی که رسول الله خون هبار بن اسود را به خاطر اینکه او با ترساندن موجب سقط شدن جنین زینب شد، مباح می شمرد اگر هنگامی که این مردم به خانه فاطمه هجوم آوردند و او را ترساندند تا آنچه در شکم داشت سقط شد، رسول خدا زنده بود حتماً به مهدور الدم بودن کسی که فاطمه را ترسانده بود حکم می فرمود... . ابن ابی الحدید می گوید به استاد خود ابی جعفر گفتم: آیا می توانم این خبر که عده‌ای فاطمه را ترساندند تا اینکه فرزندش محسن سقط شد را از شما نقل کنم؟ گفت: از من نقل نکن و بطلان این خبر را نیز از من نقل نکن.

دسته سوم: روایاتی که اشاره اظهار ندامت خلیفه اول از کار خود دارد

به اعتراف تاریخ‌نویسان اهل سنت ابوبکر سرانجام از آنچه نسبت به حضرت زهراء

سلام‌الله علیها روا داشته بود پشیمان شد و درصدد جلب رضایت حضرت زهراء سلام‌الله علیها برآمد و برای عذرخواهی و اظهار ندامت به عیادت حضرت فاطمه علیها السلام آمد.

۱- طبری در تاریخ الامم و الملوك خود در بیان حوادث سال ۱۳ هجری این گونه آورده است:

«قال ابوبکر رضی الله عنه: أجل، انی أَجَلَ إِيَّيْ لَا أَسَى عَلِي مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا عَلَي ثَلَاثَ فَعَلْتُهُنَّ وَوَدِدْتُ أَنِّي تَرَكْتُهُنَّ، وَثَلَاثَ تَرَكْتُهُنَّ وَوَدِدْتُ أَنِّي فَعَلْتُهُنَّ، وَثَلَاثَ وَدِدْتُ أَنِّي سَأَلْتُ عَنْهُنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَمَا اللَّائِي وَوَدِدْتُ أَنِّي تَرَكْتُهُنَّ، فَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَكْشِفْ بَيَّتَ فَاطِمَةَ عَلَي شَيْءٍ، وَإِنْ كَانُوا غَلَقُوا عَلَي الْحَرْبِ ...»؛ (ابوبکر روزهای آخر عمرش می‌گفت: من بر هیچ چیز از این دنیا حسرت نمی‌خورم مگر بر سه کار که دوست داشتم ای کاش آن‌ها را انجام نداده بودم و سه کار که ترک کردم ای کاش انجام می‌دادم و سه سئول که ای کاش از رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله می‌پرسیدم اما سه کاری که ای کاش ترک می‌کردم، ای کاش درب خانه فاطمه را باز نمی‌کردم اگرچه علیه من پیمان جنگ بسته بودند (...). (۳۵)

۲- متقی هندی در کنز العمال ج ۵ کتاب الخلافه باب خلافه ابی بکر از عبدالرحمن بن عوف نقل می‌کند:

«عن عبدالرحمن بن عوف أنّ ابابكر الصديق قال له في مرض موته: اني لا أسى على شيء الا على ثلاث فعلتهن وددت اني لم افعلهن وثلاث لم افعلهن وددت اني فعلتهن وثلاث وددت اني سألت رسول الله (صلى الله عليه وآله) عنهن فاما اللاتي فعلتها وددت اني لم افعلها فوددت اني لم اكن اكشف بيت فاطمه وتركته و ان كانوا غلقوه على الحرب ...»؛ (ابوبکر روزهای آخر عمرش به عبدالرحمن بن عوف گفت: من بر هیچ چیز از این دنیا حسرت نمی‌خورم مگر بر سه کار که انجام دادم و ای کاش آن‌ها را انجام نداده

بودم و سه کار که انجام ندادم و ای کاش انجام می‌دادم و سه سؤال که ای کاش از رسول‌الله صلی‌الله علیه وآله می‌پرسیدم اما سه کاری که انجام دادم وای کاش انجام نداده بودم، ای کاش بازکننده درب خانه فاطمه را باز نمی‌بودم و ترک می‌کردم این کار را اگرچه علیه من پیمان جنگ بسته بودند (...). (۳۶)

این روایت را برخی دیگر از علمای اهل سنت نیز با همین مضمون نقل کرده‌اند. (۳۷)

در پایان متذکر می‌شویم اسناد هتک حرمت زهراى مرضيه سلام‌الله علیها در متون اهل سنت خیلی بیشتر از آن چیزی است که در این مقاله به آن اشاره شده است ما در این مقاله جهت اثبات این واقعیت تلخ تنها به ذکر برخی از این روایات اکتفا کردیم البته تذکر این نکته نیز لازم است که جزئیات ماجرای هجوم به خانه وحی در منابع اهل سنت نیامده است.

برای انکار این واقعیات عده ای از راه‌های گوناگون استفاده نموده و می‌نمایند و یکی از حربه‌هایی که در این رابطه به کار برده‌اند مطرح کردن شبهاتی پیرامون این ماجرا است از آنجا که این مقاله در صدد اثبات اصل هجوم به خانه وحی بوده، در آن به شبهات پرداخته نشده است البته زمانی که اصل این واقعیت تلخ بر اساس متون معتبر اهل سنت به اثبات رسید دیگر آن شبهات پایه استواری نخواهند داشت.

منبع:

۱. قران کریم.
۲. صحیح البخاری محمد بن اسماعیل ابو عبدالله البخاری الجعفی تحقیق مصطفی دیب البغا دار ابن کثیر الیمامه بیروت ۱۴۰۷ قمری- ۱۹۸۷ میلادی الطبعه الثالثه.
۳. الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم مسلم بن الحجاج ابو الحسین القشیری النیسابوری تحقیق محمد فواد عبد الباقي دار احیاء التراث العربی بیروت بی تا.
۴. السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي ابو بكر احمد بن الحسين بن علي البيهقي مجلس دایره المعارف النظامیه الکاینه حیدر اباد هند ۱۳۴۴

قمری الطبعه الاولى.

۵. تاریخ الامم و الملوك تاریخ طبری ابو جعفر محمد بن جریر الطبری تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم دار التراث بیروت ۱۳۸۷ قمری/۱۹۶۷ میلادی طبعه الثانيه.
۶. المعجم الكبير سليمان بن احمد بن ايوب ابو القاسم الطبراني تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی مکتبه العلوم والحکم الموصل ۱۴۰۴ قمری - ۱۹۸۳ میلادی الطبعه الثانيه.
۷. الامامه و السياسه المعروف بتاريخ الخلفاء ابو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبه الدينوري تحقیق علی شیری دارالاضواء بیروت ۱۴۱۰ قمری/۱۹۹۰ میلادی الطبعه الاولى.
۸. كنز العمال في سنن الاقوال والافعال علاء الدين علي بن حسام الدين المتقى الهندي البرهان فوري المحقق بكرى حيانى - صفوه السقا موسسه الرساله بيروت ۱۴۰۱ قمری/۱۹۸۱ میلادی الطبعه الخامسه.
۹. اثبات الوصيه مسعودی علی بن حسین انصاریان ایران قم ۱۴۲۶ قمری/ ۱۳۸۴ شمسی چاپ سوم.
۱۰. الملل والنحل محمد بن عبد الكريم بن ابی بکر احمد الشهرستانی تحقیق محمد سید کیلانی دار المعرفه بیروت ۱۴۰۴ قمری.
۱۱. منهاج السنه النبويه احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه الحرانی ابو العباس تحقیق محمد رشاد سالم موسسه قرطبه ۱۴۰۶ قمریالطبعه الاولى.
۱۲. فراید السمطين فی فضائل المرتضى و البنوت و السبطين و الایمه من ذریتهم علیهم السلام ابراهیم بن سعد الدین شافعی موسسه محمود بیروت ۱۴۰۰ قمری چاپ اول.
۱۳. تذکره الحفاظ محمد بن احمد بن عثمان الذهبی تحقیق زکریا عمیرات دار الکتب العلمیه بیروت لبنان ۱۴۱۹ قمری- ۱۹۹۸ میلادی الطبعه الاولى.
۱۴. مناقب ال ابی طالب علیهم السلام ابن شهر اشوب مازندرانی محمد بن علی علامه قم ۱۳۷۹ قمری چاپ اول.
۱۵. جامع الاحادیث جلال الدین سیوطی دار الفكر بیروت سال ۱۴۱۴ قمری.
۱۶. الوافی بالوفیات صفدی دار احیاء بیروت ۱۴۲۰ قمری چاپ یکم.
۱۷. روح المعانی فی تفسیر القران العظیم الوسی سید محمود تحقیق علی عبدالباری عطیه دارالکتب العلمیه بیروت ۱۴۱۵ قمری چاپ اول.
۱۸. زهراع برترین بانوی جهان ناصر مکارم شیرازی مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع قم چاپ اول.
۱۹. الجامع الصحیح سنن الترمذی محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذی السلمی تحقیق احمد محمد شاکر واخرون دار احیاء التراث العربی - بیروت بی تا.
۲۰. سنن ابی داود ابو داود سلیمان بن الاشعث السجستانی دار الکتب العربی بیروت بی تا.
۲۱. المصنف فی الاحادیث والاثار ابو بکر عبد الله بن محمد بن ابی شیبیه الکوفی تحقیق کمال یوسف الحوت مکتبه الرشد الرياض ۱۴۰۹ قمری الطبعه الاولى.
۲۲. المستدرک علی الصحیحین محمد بن عبدالله

ابو عبدالله الحاکم النیسابوری تحقیق مصطفی عبد القادر عطا دار الکتب العلمیه بیروت ۱۴۱۱ قمری- ۱۹۹۰ میلادی الطبعه الاولى.

۲۳. الجامع الصحیح سنن الترمذی محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذی السلمی تحقیق احمد محمد شاکر واخرون دار احیاء التراث العربی - بیروت بی تا.

پی نوشت:

- (۱). زهرا(ع) برترین بانوی جهان، ناصر، مکارم شیرازی، ص ۴۸، فاطمه(علیها السلام) بعد از رحلت پیامبر(صلی الله علیه وآله).
- (۲). سوره مبارکه نحل آیه ۱۲۵
- (۳). زهرا(ع) برترین بانوی جهان، ناصر، مکارم شیرازی، ص ۵۴، مقامات فاطمه(علیها السلام) .
- (۴). سوره مبارکه توبه آیه ۳۲
- (۵). صحیح البخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، تحقیق : مصطفی دیب البغا، ج ۳، ص ۱۳۷۴، باب(مناقب فاطمه صلی الله علیه و آله).
- (۶). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، آلوسی سید محمود، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، ج ۲، ص ۱۵۰، سوره آل عمران، آیات ۳۸ الی ۴۷.
- (۷). الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۴ ص ۱۹۰۳ کتاب فضائل الصحابه باب مناقب فاطمه، ح ۹۴
- (۸). سوره مبارکه احزاب آیه ۵۷
- (۹). آیه ۶۱ سوره مبارکه توبه.
- (۱۰). سنن أبی داود، أبو داود سلیمان بن الأشعث السجستانی، ج ۲، ص ۴۸۶، باب (ما جاء فی الانتفاع بالعا؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۷۵
- (۱۱). المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۶۷.
- (۱۲). الجامع الصحیح سنن الترمذی، محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذی السلمی، تحقیق : أحمد محمد شاکر واخرون، ج ۵، ص ۶۹۹، ابواب (المناقب ماجاء فی فضل فاطمه)
- (۱۳). المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۶۷
- (۱۴). آدرس برخی دیگر از منابع اهل سنت که فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها را ذکر کرده اند. المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، تحقیق : مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۶۴، ذکر مناقب فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله؛ مسند أحمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی، المحقق : السيد أبو المعاطی النوری، ج ۶، ص ۲۸۲، احادیث فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله؛ الجامع الصحیح سنن الترمذی، محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذی السلمی، تحقیق : أحمد محمد شاکر واخرون، ج ۵، ص ۶۹۷ ما جاء فی فضل فاطمه رضی الله عنه؛ فضائل سیده النساء فاطمة علیها السلام، أبو حفص عمر بن شاهین،

تحقیق: أبی إسحاق الجوینی، ص ۳؛ الصواعق المحرقة علی أهل الرض والضلال والزندقه، أبی العباس أحمد بن محمد بن محمد بن علی ابن حجر الهیتمی، تحقیق : عبدالرحمن بن عبدالله التركي وكامل محمد الخراط، ج ۲، ص ۴۱۷ باب (فی فضائل اهل البيت)

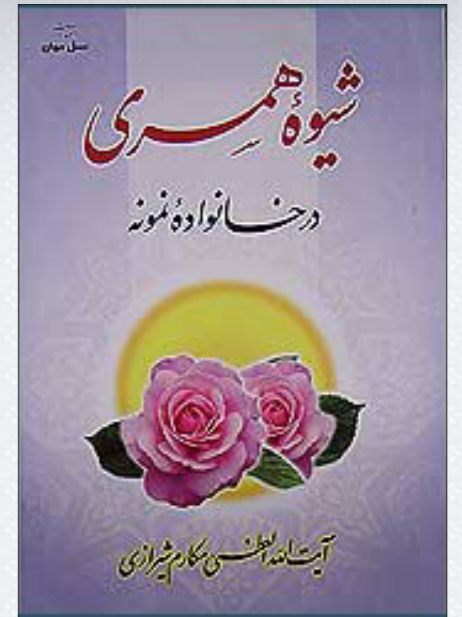
- (۱۵). صحیح البخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، تحقیق : مصطفی دیب البغا، ج ۴ ص ۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸.
- (۱۶). الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۳۸۰، ح ۵۲. کتاب الجهاد و السیر، باب (قول النبی لا نورث ما ترکنا فھر صدقه).
- (۱۷). ابن قتیبه یک ناصی بسیار متعصب است، منحرف عن العتره تعبیر ذهبی و ابن حجر عسقلانی در مورد ابن قتیبه است
- (۱۸). الإمامة و السياسه المعروف بتاريخ الخلفاء أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبه الدينوري، تحقیق علی شیری، ج ۱، ص ۳۱، کیف کانت بیعه علی بن ابی طالب کرم الله وجهه .
- (۱۹). السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، ج ۶ ص ۳۰۰.
- (۲۰). آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری.
- (۲۱). المُصنّف فی الحدیث والآثارم، عبدالله بن ابی شیبه کوفی، ج ۹، ص ۳۲۳.
- (۲۲). جامع الأحادیث، جلال الدین سیوطی، ج ۲۶، ص ۳۹۵، ح ۲۹۳۳، مسند عمر بن خطاب؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، محقق / مصحح: ابراهیم محمد بن هبه الله، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابو الفضل، ج ۲، ص ۴۵، حدیث السقیفه؛ کنز العمال فی سنن الاقوال والأفعال، علاء الدین علی بن حسام الدین المتقی الهندی البرهان فوری، المحقق : بکری حیانى - صفوة السقا، ج ۵، ص ۶۳۱، ح ۱۱۳۱۴، کتاب الخلافه باب خلافه ابی بکر.
- (۲۳). تاریخ الأمم و الملوك (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۳، ص ۴۲۰، ذکر استخلافه عمر بن الخطاب .
- (۲۴). کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علاء الدین علی بن حسام الدین المتقی الهندی البرهان فوری، المحقق : بکری حیانى - صفوة السقا، ج ۵، ص ۶۳۱، ح ۱۱۳۱۴، کتاب الخلافه باب خلافه ابی بکر.
- (۲۵). المعجم الكبير، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، تحقیق : حمدی بن عبدالمجید السلفی، ج ۱ ص ۶۲ حدیث ۴۳ مما اسند ابوبکر عن رسول الله (صلى الله عليه وآله)؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۴۶، حدیث السقیفه .
- (۲۶). آیه ۵۷ سوره مبارکه فرقان.
- (۲۷). جوینی، متوفای ۷۳۰ هجری و از شخصیت‌های برجسته اهل سنت است ذهبی که از استوانه‌های علم رجال است در کتاب تذکره الحفاظ، محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، تحقیق: زکریا عمیرات، ج ۴، ص ۱۹۹، از او تعبیر می‌کند: «الإمام المحدث الأوحّد الأكمل فخر الاسلام جوینی امام و پیشوا و محدث یگانه و

فخر اسلام بوده است».

- (۲۸). فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البنوت و السبطين و الأئمة من ذریتهم علیهم السلام، ابراهیم بن سعد الدین شافعی، ج ۲، ص ۳۵، الباب السابع فضیلة فی أن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و جعفر ا و علیا و الحسن و الحسین و المهدي صلوات الله علیهم هم سادة أهل الجنة.
- (۲۹). الإمامة و السياسه المعروف بتاريخ الخلفاء، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبه الدينوري، تحقیق علی شیری، ج ۱، ص ۳۰، کیف کانت بیعه علی بن ابی طالب کرم الله وجهه .
- (۳۰). ما این روایت را در پایان مقاله از کتب خود اهل سنت بیان خواهیم داشت.
- (۳۱). منهاج السنه النبویه، أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیه الحرانی أبو العباس، تحقیق : محمد رشاد سالم، ج ۸ ص ۲۹۳.
- (۳۲). اثبات الوصیه، مسعودی، علی بن حسین، انصاریان، ص ۱۴۶، فی الحوادث التي اعقبت وفاة النبی.
- (۳۳). الملل والنحل، محمد بن عبد الكريم بن أبی بکر أحمد الشهرستانی، تحقیق : محمد سید کیلانی، ج ۱ ص ۵۲.
- (۳۴). شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابو الفضل، ج ۱۴، ص ۱۹۳، القول فیما جرى فی الغنیمه و الأسارى بعد هزيمة قريش و رجوعها إلى مكة .
- (۳۵). تاریخ الأمم و الملوك (تاریخ طبری)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۳، ص ۴۲۰، ذکر استخلافه عمر بن الخطاب .
- (۳۶). کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علاء الدین علی بن حسام الدین المتقی الهندی البرهان فوری، المحقق : بکری حیانى - صفوة السقا، ج ۵، ص ۶۳۱، ح ۱۱۳۱۴، کتاب الخلافه باب خلافه ابی بکر.
- (۳۷). المعجم الكبير، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، تحقیق : حمدی بن عبدالمجید السلفی، ج ۱ ص ۶۲ حدیث ۴۳ مما اسند ابوبکر عن رسول الله (صلى الله عليه وآله)؛ شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۴۶، حدیث السقیفه .

سیری در کتاب «شیوه همسری در خانواده نمونه»

اثر آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)



عروسی، بزم شادی کزویبان نثار عروس!

«شیوه همسری در خانواده» در یک نگاه

یکی از شئون بسیار مهم زنان، نقش آن ها در جایگاه همسری است و از جمله مشکلات طاقت فرسای جامعه امروز ما، معضلات مربوط به تشکیل خانواده و ازدواج و مسائل پس از آن است. در دین اسلام و سیره معصومان علیهم السلام، سرچشمه های زلالی از حقایق وجود دارند که با بهره گرفتن از آن ها می توان شیوه های همسری در نهاد خانواده آرمانی را تبیین نمود و می توان به رهیافت ها و راهبردهایی برای تسهیل تصحیح، تعدیل و تعالی امور مربوط به ازدواج دست یافت.

در این کتاب، مسئله تشکیل خانواده بر اساس الگوها، معیارها و ارزش های تشیع با توجه به سیره عملی بهترین همسران جهان، یعنی حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلف در این اثر برای طرح ارزش های اسلام در امر ازدواج، از آیات و روایات مأثور در این زمینه و سیره معصومان علیهم السلام با توجه به واقعیات اجتماعی بهترین استفاده ها را برده است.

بیان مشخصات خانواده نمونه و مقایسه بین خواستگاری ارزشی حضرت علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیها السلام و بعضی از خواستگاری های غیرارزشی در جامعه امروز، بررسی مسئله مهریه و جهیزیه و مراسم عقد و مراسم زفاف و جشن عروسی مطلوب و مقایسه آن با بعضی از حقایق تلخ اجتماعی معاصر از دیگر بخش های این کتاب گران سنگ می باشند.

گزارش محتوایی اثر

۱. صاحب اثر در وهله نخست با طرح کاستی های اجتماعی، موانع و چالش ها

ی تشکیل خانواده را مورد توجه قرار می دهد، در فرازی از کتاب می خوانیم: انبوهی از مشکلات طاقت فرسا هم چون دختران زیادی که در خانه ها مانده و پسران زیادی سنین شاداب جوانی را پشت سر گذارده و نیز آداب و رسوم زشت اجتماعی که از انتظارات غلط نشأت می گیرد به همراه آوار سنگین آداب و رسوم موهوم، به نوبه خود نوسانات و اضطرابات و ناراحتیها را موجب شده و ساحت خانواده را دستخوش تلاطم و ناهنجاریها کرده به نحوی که بنیان آن پس از مدتی متلاشی می شود.

مؤلف اثر برای برون رفت از این چالش های بزرگ به گوشه هایی جالب و ظریف از زندگی پرافتخار علی (علیه السلام) و بانوی اسلام حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به عنوانی رهنمونی برای حل مشکلات در خانواده اشاره کرده است.

۲. حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) در این کتاب با اشاره به جایگاه خانواده به ارتباط تنگاتنگ آن با ارائه الگوها، معیارها و ارزش های صحیح و نیز حل مشکلات خانوادگی و نابسامانی های اجتماعی و فرهنگی پرداخته است.

صاحب اثر متذکر شده اند که عظمت تعلیمات اسلامی این است که ازدواج را با دقت موشکافی می کند و مورد بررسی قرار می دهد و برای تشکیل خانواده ای سالم و خالی از هر گونه ناراستی از ارائه هیچ گونه برنامه ای فروگذار نکرده است.

از آن جهت که «خانواده بزرگ بشری» از همین «خانواده های کوچک» تشکیل می شود که هر یک به منزله آجری در این ساختمان عظیم است، و استحکام این ساختمان عظیم بستگی به استحکام این واحدهای کوچک دارد.»

در فرازی از کتاب آمده است: برای تحکیم

روابط عمومی اجتماعی انسانها، باید قبل از هر چیز به فکر استحکام ریشه اصلی افتاد، و پایه های خانواده را بر شالوده قوی و محکم بنا نمود. لذا در روایات اسلامی تشکیل خانواده مخصوصاً به ساختن یک بنا تشبیه شده آنهم بنائی محبوب نزد خدا چنان که در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: «ما بُنِيَ بِنَاءَ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ بنائی در اسلام نزد خدا محبوبتر از تزویج نیست.»

۳. از جمله بخش های مهم که در این اثر به نحو برجسته و تأثیر گذار به چشم می آید، ویژگی های «خانواده نمونه» است که صاحب اثر تلاش نموده تا سیره حیات بخش زندگی حضرت علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) را به خواننده ارائه دهد.

از این رو حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) مرجع عالیقدر جهان تشیع، تأثیرات بی بدیل سیره پژوهی از طریق واکاوی ویژگی های خانواده نمونه را مورد توجه قرار داده و می نویسد: ما در این نوشتار برای رسیدن به عمق تعلیمات اسلام در این زمینه، به جای بررسی مشروح آیات و روایات اسلامی، راه دیگری انتخاب کرده ایم که فکر می کنیم تأثیر آن در بیدار کردن افکار بیشتر است، و آن اینکه به سراغ یک خانواده نمونه ای برویم که در اسلام نظیر نداشته، و دقیقاً زیر نظر شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و با اشراف کامل او تشکیل شده است، یعنی پیوند ازدواج علی علیه السلام با بانوی اسلام، فاطمه زهرا علیها السلام تا برای مسلمانان اسوه و الگوی پرارزشی باشد.

معظم له در فراز دیگر از کتاب در اهمیت بهره گیری از ویژگی های خانواده نمونه می نویسد: من معتقدم جوانان، اعم از دختران و پسران که روح بی آایش تری دارند برای سنت شکنی، و درهم کوبیدن آداب و رسوم غلط آماده ترند، آنها باید حاکم بر سرنوشت خود شوند، پسران جوان باید ثابت کنند رهروان مخلص راه امیرمؤمنان علی مرتضی علیه السلام می باشند. دختران جوان نیز باید ثابت کنند از زندگی زهرای مرضیه علیها

السلام بزرگترین شخصیت زن در جهان بشریت الگو می گیرند، و به وسوسه های این و آن دل نسپرده، و به دشمنی های در لباس خیرخواهی، توجهی نمی کنند.

لذا باید به سراغ «خانواده نمونه» رفت و از آن الگو گرفت و در پرتو هدایتش راه و رسم زندگی توأم با خوشبختی را پیدا کرد.

با این تفاسیر در آن اثر گرانسنگ می خوانیم: ازدواج حضرت علی (علیه السلام) و بانوی اسلام حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بر پایه ارزشهای والا و بلند بنا می شود؛ به ویژه الگویی که از بانوی بزرگ اسلام فاطمه زهرا علیها السلام به جا مانده است، به نحوی که در حدیث آمده است که تمام مهریه بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام و هزینه های جهیزیه و عطریات او از پول زرهی تأمین شد که علی علیه السلام برای جنگ خریده بود.

آری مهریه «بانوی اسلام» راه و رسم زندگی توأم با خوشبختی را نشان می دهد، و مهریه اسلامی را از غیر اسلامی متمایز می کند. هم چنین باید جهیزیه ازدواج برترین زنان جهان با برگزیده ترین مردان تاریخ بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مورد توجه قرار داد و از آن الهام گرفت.

مطالعه صورت جهیزیه بانوی اسلام علیها السلام انسان را با عالمی از صفا و زهد و وارستگی عجیب روبه رو می سازد، که عظمت و شکوه بی نظیر و خیره کننده اش هر انسان آزاده ای را به خضوع در برابر آن وامی دارد.

خطبه های عقد بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام شامل خطبه ای است که خدا خواند؛ خطبه ای که رسول الله صلی الله علیه و آله خواند؛ و خطبه ای که علی علیه السلام خواند که همه معنی دار و آموزنده است.

به راستی چه زیبا و باشکوه و با صفاست چنین جشن و چنین مراسمی! تمام سرودها که با آهنگی نه گناه آلود خوانده می شد، پرمحتوا، آموزنده، و الهام بخش بود، و فضای آن جشن روحانی را صفای تازه ای می بخشید، و دوست و دشمن، خود را با آن بزم الهی هماهنگ و همنا ساخته بودند.

مؤلف آثار بهره گیری جوانان از ویژگی های «خانواده نمونه» را اینچنین بر می

شمرد: بی شک خانواده نمونه می تواند تابلو زنده ای از تعلیمات حیات بخش اسلام باشد؛ از آن جهت که هر دو سویش با نزدیکترین رابطه، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می رسد؛ لذا زهرا علیها السلام در اسلام تولد یافت و علی علیه السلام دهساله بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان نبوت را دریافت نمود، و این دو زوج در آغوش اسلام پرورش یافتند و با آداب اسلام بزرگ شدند. هم چنین تمام مراحل خواستگاری و مراسم زفاف و تربیت فرزندان همه زیر نظر شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به دستور و فرمان او صورت گرفت.

۴. گفتنی است در این اثر فاخر، با اشاره به شیوه های خواستگاری به خواستگاری مثبت و سازنده در نگاه متعالی اسلام پرداخته شده و شیوه های زننده غرب در انتخاب زوج، مخالف روح انسانی و جایگاه بلند انسان بلند در نظام آفرینش به شمار آمده است.

واکاوی مسائلی همچون مهریه، جهیزیه، مراسم عقد و عروسی از دیگر مباحثی است که حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) در کتاب با نگاه نقادانه به ارائه راهکار برای برون رفت از پیرایه های مرتبط با آن اهتمام ورزیده است.

۵. بدیهی است در عصر کنونی که بدعت های فراوان و چالش های متأثر از سبک زندگی غربی سد راه ازدواج جوانان قرار گرفته و بحران بی معنایی ازدواج را در جامعه اسلامی تشدید کرده است، کتاب ارزشمند «شیوه همسرمداری در خانواده نمونه» اثر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی می تواند به عنوان منشور کامل از سیره حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در تشکیل و تحکیم بنیان خانواده مورد توجه قرار گیرد؛ لذا مطالعه این اثر فاخر به متولیان و سیاستگذاران فرهنگی، خانواده ها و جوانان توصیه می شود.

لازم به ذکر است تألیف این اثر نفیس در یک جلد و در ۸۸ صفحه، در قطع رقعی توسط انتشارات نسل جوان به زیور طبع آراسته شده و برای نخستین بار در سال ۱۳۸۱ منتشر شده و تا کنون نیز چندین مرتبه تجدید چاپ شده است.

پاسخگویی ایمیل

پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه

بخش پاسخگویی ایمیل (پست الکترونیکی) با همکاری و تلاش بی دریغ ۷ نفر از کارشناسان متخصص در زمینه مباحث کلامی و اعتقادی، مشاوره ای و فقهی مشغول خدمت رسانی به مقلدان و سایر کاربران محترم می باشد که سوالات خود را از طریق بخش ارسال سوال سایت، مطرح می نمایند. سوالاتی که از این طریق مطرح می شود به دو قسم، فقهی و غیر فقهی تقسیم می شود که سوالات فقهی بر اساس مبانی و فتاوی معظم له از منابع موجود و همچنین در صورت لزوم، شخص معظم له پاسخ داده می شود. سوالات غیر فقهی نیز شامل سوالات و شبهات اعتقادی، اخلاقی و مشاوره ای می باشد که با توجه به تألیفات و مقالات موجود در بخش های مختلف سایت از

جمله بخش معارف اسلامی و همچنین تحقیق و بررسی دقیق در منابع روایی و تاریخی با تأیید و نظر معظم له پاسخ داده می شود. با توجه به حجم سوالات و نیاز به بررسی و تحقیق برخی سوالات فقهی و همچنین غالب سوالات غیر فقهی، تلاش و کوشش کارشناسان بر پاسخگویی به سوالات در کمتر از ۴۸ ساعت می باشد که بحمدالله در غالب سوالات محقق شده و می شود و ۷۲ ساعت ارسال می شود. ضمناً با توجه به تخصص و تسلط و تجربه کارشناسان به مباحث کلامی و شبهات و مباحث مشاوره ای، بخش پاسخگویی «آنلاین اعتقادی» نیز زیر نظر این بخش مدیریت و فعالیت می کند.

دقت و توجه به متقن و معتبر بودن پاسخ ها طبق فتوا و نظر معظم له و همچنین تمرکز بر پاسخگویی به سوال مطرح شده و دغدغه های مورد نیاز کاربران، از اصول اصلی پاسخگویی در این بخش می باشد. راهنمایی و نظارت و همدلی همیشگی معظم له و بیان نکات و تذکرات لازم در جهت ارتقاء پاسخگویی، از پشتوانه های مهم همکاران در این بخش بوده و هست. امیدواریم نتایج و برکات انجام وظیفه و خدمت رسانی به مکتب اهل بیت علیهم السلام و سربازی امام زمان ارواحنا فداه، در جهت راهنمایی و حل مشکلات مردم عزیز و مؤمنین، موجب سعادت و عاقبت بخیری در دنیا و آخرت شود. «والعاقبه للمتقین»

پشت در قرار گرفتن فاطمه زهرا(سلام الله علیها) با وجود علی(علیه السلام)

پرسش: چرا با اینکه علی(علیه السلام) در خانه بود، هنگام یورش، فاطمه زهرا(سلام الله علیها) پشت در رفت؟

پاسخ اجمالی: اهل سنت می خواهند با این شبهه نقصی را برای علی(علیه السلام) بتراشند و دامان عمر را از این جسارت پاک و اصل قضیه را تکذیب کنند. اولاً: آلوسی می نویسد: عمر شمشیرش را به پهلوی فاطمه و تازیانه را بر بازوی او زد. ناگهان علی(علیه السلام) گریبان عمر را گرفت و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید. ثانیاً: شاید آمدن حضرت زهرا(سلام الله علیها) برای این باشد، تا مهاجمان از او شرم کنند، که چنین نشد. ثالثاً: بسیاری از علمای اهل سنت اصل ماجرای هتاکسی و هجوم را آورده اند، وقتی اصل ماجرا ثابت شد اینگونه سؤال ها دامان کسی را پاک نخواهد کرد.

پاسخ تفصیلی: باید گفت در واقع اهل سنتی خواهند با این شبهه دو کار را به نفع خودشان تمام کنند؛

اول: ضعف و نقصی را برای امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) بتراشند که چرا علی(علیه السلام) ناموس داری نکرد و یک زن را پشت در فرستاد و خودش نرفت. دوم: دامان عمر را از این جسارت پاک کنند و با این فرا فکنی ها، وانمود کنند که اصلا این قضیه کذب است و دور از شان عمر است.

در مورد هدف اول باید گفت:

اولاً: آنها می گویند که حضرت علی موظف بود از همه مظلومان دفاع کند، مخصوصاً از ناموس خودش دفاع نماید، چرا که همسر، خط قرمز هر شخصی به

حساب می آید، بی عُرْضه ترین آدمها جایکه زن و بچه خود را در خطر ببینند از فدا نمودن خود دریغ نمی نمایند، حال چطور ممکن است که علی(علیه السلام) از همسر خودش آن هم دختر پیامبر دفاع نکرده باشد. این بی غیرتی را به کسی نسبت می دهند که لقب «اسد الله الغالب» «شیر پیروزمند خدا» به او نسبت داده شده، چون حضرت علی در هیچ کجا مغلوب کسی نشده است. و این در حالی است که «آلوسی» مفسر معروف اهل سنت در «روح المعانی» می نویسد: «... غضب عمر واضرم النار بباب علی و احرقه و دخل فاستقبلته فاطمه و صاحت یا ابتاه و یا رسول الله، فرقع عمر السیف و هو فی غمده فوجا به جنبها المبارک و رفع السوط فضرب به ضربها فصاحت یا ابتاه فاخذ علی بتلابیب عمر وهرزه و وجا انفه و رقیته»؛ (عمر عصبانی شد و درب خانه علی را به آتش کشید و داخل خانه شد، فاطمه سلام الله علیها به طرف عمر آمد و فریاد زد: «یا ابتاه، یا رسول الله!» عمر شمشیرش را که در غلاف بود بلند کرد و به پهلوی فاطمه زد، تازیانه را بلند کرد و بر بازوی فاطمه زد، فریاد زد: «یا ابتاه» - با مشاهده این

ماجرا - علی (علیه السلام) ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید). نقل این قضیه توسط آلوسی به هر نیتی که باشد، نشانگر این است که علی (علیه السلام) واکنش تندی در دفاع از دختر پیامبر(صلی الله علیه و آله) از خودشان نشان داده است. (۱)

ثانیاً: همان طور که اهل سنت علم غیب را فقط مخصوص خداوند می دانند ما نیز می گوییم علم غیب نمی دانیم و نمی دانیم چرا حضرت زهرا(علیها السلام) پشت در آمدند. ولی می توان به این نکته اشاره نمود که شاید آمدن حضرت زهرا(علیها السلام) برای این باشد، تا مهاجمان از تنها یادگار پیامبر(صلی الله

علیه و آله) شرم کرده و جسارت نکنند، لکن نه تنها این حضور حضرت، مانع از شرم و حیای آنها نشد بلکه جسارتی کردند که امروزه برای بسیاری از علمای اهل سنت هم این سوال مطرح است که چرا این جسارت با دختر پیامبر(صلی الله علیه و آله)، آن هم از ناحیه کسانی که خود را خلیفه خواندند صورت گرفته است.

در مورد هدف دوم، می گوییم:

وقتی اصل ماجرای یورش ثابت شده است، دیگر این سوال که چرا به جای این، آن نیامد؛ دامان کسی را پاک نخواهد کرد، چرا که عده زیادی از علمای اهل سنت اعم از مورخین و محدثین و مفسرین در کتب شان اصل قضیه ی هتاکسی و ماجرای هجوم را آورده اند که در اینجا به نقل برخی از آنها اشاره می کنیم:

محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰)، فقیه و تاریخ نگار برجسته اهل سنت در تاریخ خود رویداد فجیع هتک حرمت به خانه وحی را چنین بیان می کند: «أَتَى عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ مَنْزِلَ عَلِيٍّ وَ فِيهِ طَلْحَةُ وَ الزُّبَيْرُ وَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ، فَقَالَ وَ اللَّهُ لَأُحَرِّقَنَّ عَلَيْكُمْ أَوْ لَتُخَرَّجَنَّ إِلَى الْبَيْعَةِ، فَخَرَجَ عَلَيْهِ الزُّبَيْرُ مُصَلِّتاً بِالسَّيْفِ فَعَثَرَ فَسَقَطَ السَّيْفُ مِنْ يَدِهِ، فَوَثَبُوا عَلَيْهِ فَأَخَذُوهُ»؛ (۲)

(عمر بن خطاب به در خانه علی آمد، در حالی که گروهی از مهاجران در آنجا گرد آمده بودند. عمر رو به آنان کرد و گفت: به خداسوگند، خانه را به آتش می کشم مگر این که برای بیعت بیرون بیایید. زبیر از خانه بیرون آمد در حالی که شمشیری بر دست داشت، ناگهان پای او لغزید و شمشیر از دست او بر زمین افتاد. در این موقع دیگران بر او هجوم آورده و شمشیر را از دست او گرفتند).

همچنین عبدالفتاح عبدالمقصود هم در دو مورد به اصل قضیه - هجوم به خانه وحی - اشاره می کند که ما به نقل یکی از آن دو قول بسنده می کنیم او می

گوید عمر- در آن ماجرای یورش - گفت: «قسم به کسی که جان عمر در دست اوست یا باید بیرون بیاورد یا خانه را بر ساکنانش آتش می زرم عده ای که از خدا می ترسیدند و از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شرم داشتند و - رعایت حال اهل بیت او را می کردند،- گفتند: ای اباحفص، فاطمه در این خانه است. عمر بی پروا فریاد زد: باشد!... نزدیک شد، در زد، سپس بر در کوبید و وارد خانه شد... علی علیه السلام پیدا شد ... طنین صدای زهرا در نزدیکی مدخل خانه بلند شد» (۳).

و نیز در کتاب اثبات الوصیه آمده است: عمر همراه عده‌ای به در خانه فاطمه (علیها السلام) رفتند. آن‌ها با خود هیزم بسیاری بر در خانه فاطمه (علیها السلام) بردند. بنی هاشم از جمله عباس عموی پیغمبر و علی علیه السلام و زبیردر آنجا بودند. عمر گفت: بیرون آید و با خلیفه، ابوبکر بیعت کنید و گرنه شما را می سوزانم. عمر به فاطمه (علیها السلام) گفت: هر که در خانه است را بیرون کن. زبیرشمشیر کشید و عمر گفت: این سگ را بگیرد شمشیرش را گرفتند و بر سنگ کوبیدند و شکست. بنی هاشم از بیرون آمدن امتناع می کردند. عمر هیزم طلبید و گفت: به خدایی که جان عمر در قبضه قدرت او است یا بیرون آید، یا خانه را با هر که در آنجا است می سوزانم. مردم گفتند: یا اباحفص!- کنیه عمر اباحفص بود- فاطمه (علیها السلام) در این خانه است. عمر در پاسخ گفت: هر کس در آنجا باشد می سوزانم ... آنگاه فاطمه (علیها السلام) با صدای بلند گفت: «ای پدر و ای پیامبر خدا! بین بعد از تو از عمر و ابوبکره ما چه می رسد.» مردم با صدای شنیدن ناله و گریه فاطمه (علیها السلام) برگشتند، ولی همچنان عمر و عده دیگری در آنجا باقی ماندند. (۴)

عده زیادی از علمای اهل سنت واقعه

هتک حرمت، و یورش به خانه وحی را نیز نقل کرده اند که می توان به افراد زیر اشاره نمود:

۱. ابوعبید در کتاب الاموال، ص ۱۹۵؛
۲. محمد بن سعد در کتاب الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۷.
۳. ابن عبد ربه در العقد الفرید، ج ۴، ص ۲۶۳؛
۴. مسعودی در مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۱؛
۵. ابن عساکر در مختصر تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۲۲، چاپ دارالفکر.

دفن شبانه دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

پرسش: چرا حضرت زهرا (علیها السلام) شبانه دفن شد؟

پاسخ اجمالی: دفن شبانه پیکر مطهر حضرت زهرا(سلام الله علیها) از جمله مسائل مسلم تاریخی است که هم شیعه و هم اهل سنت به آن اذعان دارند. با توجه به روایات متعدد و اعتراف بزرگان اهل سنت، دلیل دفن شبانه آن حضرت وصیت آن حضرت بود که نمی‌خواست افرادی که بر او ستم کرده‌اند، بر جنازه‌اش نماز بخوانند و با این کار خشم خود را از غاصبان خلافت آشکار ساخت.

پاسخ تفصیلی: دفن پیکر مطهر حضرت زهرا(علیها السلام) از جمله مسائل مسلم تاریخی است که هم شیعه و هم اهل سنت به آن اذعان دارند. ما در اینجا به برخی از روایات فریقین در این زمینه اشاره می کنیم:

دفن شبانه در روایات اهل سنت:

محمد بن اسماعیل بخاری می‌نویسد: « وَ عَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَلَمَّا تُوَفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِيٌّ لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذِنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَصَلَّى عَلَيْهَا.»

فاطمه زهرا(علیها السلام)، شش ماه پس از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) زنده بود، زمانی که از دنیا رفت، شوهرش علی

علیه السلام او را شبانه دفن کرد و خود بر او نمازگزارد و ابوبکر را با خبرنساخت. (۵)

ابن قتیبه دینوری، در «تاویل مختلف الحدیث» می‌نویسد: « وقد طالبت فاطمه رضی الله عنها ابا بکر رضی الله عنه بمیراث ابیها رسول الله صلی الله علیه وسلم فلما لم يعطها اياه حلفت ان لا تكلمه ابدا و اوصت ان تدفن لیلًا لئلا يحضرها دفنت لیلًا.»

فاطمه از ابوبکر میراث پدرش را خواست، ابوبکر نپذیرفت، پس فاطمه قسم خورد که دیگر با او (ابو بکر) سخن نگوید و وصیت کرد که شبانه دفن شود تا او (ابوبکر) در دفن وی حاضر نشود. پس شب هنگام دفن شد. (۶)

عبد الرزاق صنعانی می‌نویسد: « عن ابن جریج، و عمرو بن دینار، ان حسن بن محمد اخبره: ان فاطمه بنت النبی صلی اللہ علیہ و سلم دفنت باللیل. قال: «فَرَّ بِهَا عَلِيٌّ مِنْ ابِي بَكْرٍ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهَا؛ كَانِ بَيْنَهُمَا شَيْءٌ.»

حسن بن محمد روایت کرده: علی، فاطمه دختر پیامبر را شبانه به خاک سپرد، تا ابوبکر بر وی نمازخواند؛ چون بین آن دو اتفاقاتی افتاده بود.

و در ادامه می‌گوید: « عن ابن عیینہ، عن عمرو بن دینار، عن حسن بن محمد، مثله؛ الا انه قال اوصته بذلك.»

از ابن عیینہ نیز همانند این روایت نقل شده است؛ مگر این که در این روایت قید شده که خود فاطمه این چنین وصیت کرده بود. (۷)

و ابن بطال در شرح صحیح بخاری می‌نویسد: « اجاز اكثر العلماء الدفن باللیل... و دفن علی بن ابی طالب زوجته فاطمه لیلًا، فَرَّ بِهَا مِنْ ابِي بَكْرٍ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهَا، كَانِ بَيْنَهُمَا شَيْءٌ.»

اکثر علما دفن جنازه را در شب اجازه داده‌اند... علی بن ابی طالب، همسرش فاطمه را شبانه دفن کرد تا ابوبکر به او

نمازخواند؛ چون بین آن دو اتفاقاتی افتاده بود. (۸)

ابن ابی‌الحدید به نقل از «جاحظ» می‌نویسد: و اما اخفاء القبر، و کتمان الموت، وعدم الصلاه، وکل ما ذکره المرتضی فیه، فهو الذی يظهر ویقوی عندی، لان الروایات به اکثر واضح من غیرها، وكذلك القول فی موجدتها وغضبها.

مخفی کردن مرگ فاطمه (سلام الله علیها)، و محل قبر او، و نمازخواندن ابوبکرو عمر، و هر آن چه که سید مرتضی (از اعلام شیعه در قرن چهارم) گفته است، مورد تایید و قبول من است؛ زیرا روایات بر اثبات این موارد صحیح‌تر و بیشتر است؛ و همچنین ناراحتی و خشم فاطمه بر شیخین نزد من از اقوال دیگر اعتبار بیشتری دارد. (۹)

دفن شبانه در روایات شیعه: هر چند که دفن شبانه و سبب وصیت صدیقه طاهره(علیها السلام) به آن، در میان شیعیان مسلم و اجماعی است؛ اما در عین حال به یک روایت اشاره می‌کنیم: مرحوم شیخ صدوق در «علل الشرائع» علت دفن شبانه آن حضرت را با روایتی چنین بیان می‌کند: عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَيِّ عِلَّةٍ دُفِنَتْ فَاطِمَةُ (علیها السلام) بِاللَّيْلِ وَ لَمْ تُدْفَنْ بِالنَّهَارِ؟ قَالَ: لِأَنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا رِجَالُ (الرَّجُلَانِ).

علی بن ابی حمزه از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا فاطمه را شب دفن کردند نه روز؟ فرمود: فاطمه(علیها السلام) وصیت کرده بود تا در شب وی را دفن کنند تا افرادی بر جنازه آن حضرت نمازخوانند. (۱۰)

با توجه به مدارک موجود و اعتراف بزرگان اهل سنت، دلیل دفن شبانه آن حضرت وصیت آن حضرت بود که نمی‌خواست افرادی که بر او ستم کرده‌اند، بر جنازه‌اش نماز بخوانند و با این

کار خشم خود را از غاصبان خلافت‌آشکار ساخت. (۱۱)

رحلت فاطمه(سلام الله علیها) در منابع اهل سنت

پرسش: جریان وفات حضرت فاطمه(علیها السلام) در منابع اهل سنت چگونه نقل شده است؟

پاسخ اجمالی: در منابع اهل سنت مثل مسند احمد بن حنبل، المناقب، ذخائرالعقبی و... نقل شده است که: فاطمه(سلام الله علیها) بیمار بود و همان بیماری به مرگش انجامید. روزی او آب طلب کرد و خود را شست و بعد رو به قبله خوابید و از دنیا رفت؛ حضرت وصیت کرد که علی و اسما او را غسل دهند و کسی دیگر نباشد. لذا اسما عایشه را برای غسل راه نداد و وقتی ابوبکر اعتراض کرد اسما گفت: خواسته فاطمه(سلام الله علیها) می باشد.

پاسخ تفصیلی: احمد بن حنبل(۱۲) از ام سلمی نقل می کند که:

فاطمه بیمار بود، همان بیماری که به مرگش انجامید، و من از او مراقبت می کردم. روزی که حال او بهتر بود و علی علیه السلام بخاطر کارهائی که داشت از خانه بیرون رفته بود، به من گفت: برایم آب بیاور.

آب را آوردم و او به بهترین وجه خود را شست.

آنگاه گفت: لباس تازه ام را بیاور.

لباس را آوردم و او پوشید و گفت: زیرانداز مرا وسط اتاق پهن کن.

آنچه را گفت، انجام دادم و او رو به قبله، دست هایش را زیر گونه اش قرار داد و به پهلو خوابید و گفت:

اجل من رسیده است و من خود را پاکیزه کرده ام، پس نباید مرا کسی برهنه کند.

(این را گفت) و از دنیا رفت. بدنبال آن علی(علیه السلام) آمد و من جریان را به او گفتم.

محب طبری(۱۳) نیز این حدیث را به نقل از احمددرالمناقب و دولابی از ام سلمه روایت می کند. ابن اثیر (۱۴) نیز آن را از ام سلمی نقل می کند.

همچنین(۱۵) به نقل از مادر امام باقر(علیه السلام) روایت می کند که: فاطمه(علیها السلام) به اسماءدختر عمیس فرمود: من از اینکه (فقط) پارچه ای روی جسد زن می اندازند تا او را بپوشانند، بدم می آید.

اسماء گفت: ای دختر رسول خدا، اجازه دهید آنچه را در سرزمین حبشه دیده ام نشانت دهم.

آنگاه چند چوب نرم آورد و آن را خم کرد و پارچه ای رویش انداخت. فاطمه(علیها السلام) فرمود:

چقدر خوب و زیباست. با آن، جنازه ی زن از مرد تشخیص داده نمی شود. پس هرگاه از دنیا رفتم، تو و علی(علیه السلام) غسل دهید و کس دیگری نباشد. وقتی از دنیا رفت، عایشه آمد و خواست وارد شود. اسماءگفت: داخل مشو.

عایشه نزد ابی بکر گلایه کرد و گفت: این خثعمیه (یعنی اسماء) نمی گذارد من در غسل دادن فاطمه شرکت کنم و هودجی چون هودج عروس برای دختر رسول خدادرست کرده است!

پس ابوبکرآمد و کنار در، ایستاد و گفت:

اسماء! چرا همسران رسول خدا را از شرکت در غسل دادن دختر او مانع می شوی و چرا چیزی مانند هودج عروس برای او ساخته ای؟ اسماءگفت: فاطمه خود از من خواست که نگذارم کسی بر او وارد شود. چیزی را هم که ساخته ام، نمونه اش را برایش ساخته بودم و او خواست چنین چیزی برایش بسازم.

ابوبکر گفت: همان کاری را که فاطمه دستور داده، بکن.

آنگاه ابوبکر بازگشت، و فاطمه (علیها السلام) را علی و اسماء غسل دادند.

محب طبری نوشته است که این روایت را ابو عمر نقل کرده، دولابی نیز با اختصار آن را آورده و نوشته است:

فاطمه چون تابوت را دید تبسم کرد، او (پس از فوت رسول اکرم) صلی الله علیه وآله)) جز در آن روز، تبسم نکرده بود!

پی نوشت:

۱. تفسیر آلوسی، ج ۳، ص ۱۲۴.
۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳، چاپ بیروت.
۳. الإمام علی بن ابی طالب، ج ۴، ص ۲۷۴.
- دیوان محمد حافظ ابراهیم: ج ۱، ص ۸۲.
۴. اثبات الوصیه، ص ۱۴۳؛ الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۷؛ الملل والنحل، ج ۱، ص ۵۷.
۵. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸.
۶. عبد الله بن مسلم ابن قتیبه، تأویل مختلف الحدیث، ج ۱، ص ۳۰۰.
۷. المصنف، ج ۳، ص ۵۲۱، حدیث شماره ۶۵۵۴ و حدیث شماره ۶۵۵۴.
۸. ابن بطال البکری القرطبی، شرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۳۲۵.
۹. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۷۰.
۱۰. شیخ صدوق علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۵.
۱۱. موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر ع.ج.
۱۲. مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۴۶۱.
۱۳. ذخائر العقبی، ص ۵۳.
۱۴. اسدالغایه، ج ۵، ص ۵۹۰.
۱۵. ذخائر العقبی، ص ۵۳ و سنن بیهقی، ج ۴، ص ۳۴.

حکم نقد امامان معصوم

پرسش: آیا نقد امامان معصوم در مورد نحوه عملکردشان جایز است؟

پاسخ: امامان معصوم هرگز قابل نقد نیستند و عصمت با نقد سازگار نیست.

حکم نوشتن قرآن با آب طلا

پرسش: نوشتن قرآن با آب طلا به طوری که هزینه آن به کمک نمازگزاران مساجد باشد چه حکمی دارد؟ آیا در این شرایط که نیازمند زیاد است این کار ارجحیت دارد؟

پاسخ: این کار به صورت نادر و استثنایی برای ابراز اهمیت قرآن مانعی ندارد ولی به صورت گسترده کار مناسبی نیست.

استفاده از نطفه های موجود در بانک نطفه

پرسش: بعضی از مؤمنین و مؤمنات، که از حیث نطفه نقایصی دارند، برای اولاددار شدن به مراکز ناباروری مراجعه می کنند. آیا می توان از نطفه هایی که در بانک نطفه نگهداری می شود، در لقاح مصنوعی با منی خود آنها ممزوج، و شرایط لقاح را

فراهم، و با دستگاه در رحم همسرانشان قرار داد؟ در صورتی که به طور کلی در منی آنها اسپرم و تخمک وجود نداشته باشد، آیا می توانند از اسپرمها و تخمکهای مجهول الهویه موجود در بانک نطفه استفاده نمایند؟ و چنانچه در دو فرض فوق فرزندى به وجود آید، متعلق به چه کسی خواهد بود؟

پاسخ: استفاده از نطفه بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست، و تولد فرزند باید مستند به ازدواج صحیح شرعی باشد. ولی اگر چنین عملی انجام شود، فرزند متعلق به صاحبان نطفه است، و نسبت به مادری که در رحم او کشت شده نیز محرم می باشد، بی آنکه از او ارث ببرد.

پرسش: استفاده از نطفه بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست، و تولد فرزند باید مستند به ازدواج صحیح شرعی باشد. ولی اگر چنین عملی انجام شود، فرزند متعلق به صاحبان نطفه است، و نسبت به مادری که در رحم او کشت شده نیز محرم می باشد، بی آنکه از او ارث ببرد.

فروش خوک و مشروب به غیر مسلمانان

پرسش: بعضی از مسلمانان، حیوانات حرام گوشت، از جمله خوک را شکار، و جهت مصرف غذایی صاحب ادیان دیگر به آنها می فروشند. شکار و فروش این گونه حیوانات از ناحیه مسلمانها چه حکمی دارد؟

پاسخ: فروش مشروب و خوک به غیر مسلمین بنا بر احتیاط واجب جایز نیست اما اگر برای استفاده عقلایی غیر از خوراک انسان باشد مانند اینکه گوشت خوک را برای غذای سگ به آنها بفروشد یا شراب را برای تهیه الکل صنعتی به کفار بفروشد مانعی ندارد.

ارزان فروشی که موجب اخلال بازار گردد

پرسش: ارزان فروشی به گونه ای که موجب اخلال در بازار شود به منظور از صحنه به در کردن رقبا چه حکمی دارد و آیا برای خریدار مسئولیتی دارد؟

پاسخ: هرگاه هدف اضرار به دیگران باشد جایز نیست و خریدار نیز نباید وارد شود مگر اینکه واقعا ناچار باشد.

موالات در غسل میت

پرسش: آیا رعایت موالات در هنگام غسل میت لازم است؟

پاسخ: هر چند رعایت موالات شرط نیست، اما بهتر است رعایت کنند.



خبر